

خلق امتحان خود را داده است...

اینک نوبت کسانی است که به نیروی خلق و برای خدمت به خلق به «مقام» رسیده اند

رسیده اند

ایراد شد. گفتار امام خمینی در اینروز، که مصداق یا اربعین حسینی و اربعین شهدای خوزستان بود، نشان از درد و خشم داشت، خشم نسبت به کسانی که از مردم دم میزنند، ولی دخن اینها را وسیله کسب «مقام» میسازند، و درد از کشکشان و ناآرامیهای که انقلاب را از درون میچوندند و جبهه خلق را در مقابل جبهه ضدخلق تضعیف می کنند.

برای توده های انقلابی مردم ایران، تشنجات و تحریکاتی که اینروزها در گوشه و کنار کشور برآه افتاده است که نیروهای مردمی را در مقابل یکدیگر قرار داده است، واز همه مهمتر، مسئولین انقلاب را علیه یکدیگر بقیه در صفحه ۴

«من خجالت می کشم وقتی که شماها را می بینم که از خوزستان و خرم آباد و از جنوب و از غرب آمده اید، آنهمه رنج دیده اید و آنهمه جوانهای شما شهید شده اند، آنطور خانه های شما خراب شده است و وقتی که بیاید اینجا، ببینید اوضاع طوردیگری است، سرخون شما دعوا است، قلمها در روزنامه ها، دستهایی که آن قلمها بدستشان است...»

این جملات از زبان رهبر انقلاب، که قلبش همواره بخاطر آزادی و سعادت مردم رنج دیده کشور ما، طپیده است، در ۷ دیماه، خطاب به مردم دلاور خرم آباد و پلدختر و کوه دشت لرستان، که از رزم با تجاوزگران صدام چنانستگار بازگشته اند و توطئه انهدام جمهوری اسلامی ایران را به واسطه دلاوری های بیمانند خویش عقیم ساخته اند،

نهضت سواد آموزی

انقلابی در جامعه انقلابی ما

صفحه ۲

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۰۷
سه شنبه ۹ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۲۲ صفر ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

نبرد علیه تجاوزگران صدامی در چهار روز گذشته با شدت ادامه یافت

انبار مهمات دشمن در جبهه آبادان به آتش کشیده شد

خبرگزاری پارس از آبادان گزارش میدهد: «بر اثر اجرای آتش توپخانه ارتش اسلام پیش از ظهر پیرروز، یک انبار مهمات دشمن در محور جاده آبادان - ماهشهر به آتش کشیده شد و دو خودروی مزدوران صدام بر اثر اصابت توپ ۱۰۶ در این منطقه از کار افتاد.»

گزارش خبرنگاران خبرگزاری پارس از آبادان حاکیست: «فدائیان اسلام پیرروز با پشتیبانی توپخانه ارتش جمهوری اسلامی موفق شدند مزدوران صدام را در منطقه میدان تیر به عقب برانند و چهار سنکر آنان را به تصرف خود درآورند.»

بقیه در صفحه ۴

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

سرمداران آمریکاقرنها جنایت کرده اند

صفحه ۷

در صفحات بعد

در باره همزیستی و مسالمت آمیز و سازش ابرقدرتها

صفحه ۴

قلب زحمتکشان برای انقلاب می تپد!

صفحه ۴

کارگران کارخانه ریسندگی پشم «هراز» آمل در مقابله با رژیم صدام و کم کاری

صفحه ۴

اقدامات جهاد سازندگی گلیایگان در راه سازندگی این منطقه

صفحه ۵

حمله لبرال ها،

که از موضع ضعف است، بمعنی ضعف خطر آنها نیست

ادامه یابد، آب از سر آنها خواهد گذشت. علاوه بر این، لبرالها، که پس از انقلاب موقعت برتری در دستگاه قدرت حاکم بدست آورده بودند، متوجه اند که اهرمهای اعمال نفوذ و قدرت را یکی پس از دیگری از دست داده اند و احساس می کنند که این فاکتور نیز موازی سا تمعق انقلاب قهرآداده خواهد یافت. در یک کلام، پورژوازی لبرال ایران، که روند تشدید ضعف خود را می بیند، باین نتیجه رسیده است که تا دیر نشده باید جنبید. و لذا حمله آغاز کرده

است! عبارت دیگر، حمله پورژوازی لبرال ناشی از احساس ضعف و از موضع ضعف است. ولی حمله از موضع ضعف را نباید بمعنای حمله بی خطرنداشت. بطور کلی حمله بی خطر وجود ندارد. بطور مشخص، پورژوازی لبرال ایران هنوز اهرمهای معینی را برای ابراز وجود و اعمال نفوذ، چه در قوه مجریه، چه در قوه مقننه، چه در دستگاههای دولتی در اختیار دارد، ضدانقلاب از او حمایت میکند. تمام اقتدار طاغوتی، که برای «بهشت کمشده» خود آه میکشند، او را «منجی» خود میدانند، سرمایه داری بزرگ وابسته، که هنوز بقایای آن در رشته های مختلف اقتصادی باقی است و در بخش بازرگانی تقریباً دست نخورده باقی مانده و حتی قریبتر از گذشته شده است، و نیز بزرگ زمین داران و فئودالها، پشتیبان فعال او هستند، بدینسان، پورژوازی لبرال، که در شرایط کنونی در واقع پرچمدار نیروهای بالفعل و بالقوه ضدانقلابی شده است، هنوز نیرومند است. بعلاوه باید در نظر گرفت که، پس از هر انقلابی، در ابتدای تیروهای ضد انقلابی و سپس، در جریان و به موازات گسترش و تعمیق انقلاب، تمام نیروهای اجتماعی که موقعت خود را ناپایداری می بینند، همه یکجا و با ده چندان نیرو، یعنی با تمام قدرت و امکاناتی که در اختیار دارند، در برابر انقلاب به مقاومت برمی خیزند و خود را به «آب و آتش» میزنند. باین دلائل و به دلائل فرعی دیگری (از جمله امکان بهره برداری عوام فریبانه از نارساییها

بقیه در صفحه ۷

حمله لبرالها، که چندی است آغاز شده، از موضع ضعف است. پورژوازی لبرال ایران، که نمایندگان ظاهرا متفرق آن اخیرا یکدیگر را «دایته اند» و بگردم آمده اند، باین دلیل حمله آغاز کرده اند که می بینند و احساس می کنند که انقلاب، هم درجبهه مبارزه با امپریالیسم و بویژه با آمریکا، برای شکستن پل بازگشت امپریالیسم و کسب استقلال، و هم در جبهه مبارزه بسود طبقات و اقتدار زحمتکش و مستضعف، گسترش و تعمیق میباید و اگر این پیشروی انقلاب

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

هر وقت (به اسلحه) احتیاج داشته باشیم، از هر جایی که مصلحت بدانیم و امکان خرید داشته باشیم، می خریم

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، عصر دیروز در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و به سئوالات خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ گفت. وی در پاسخ سئوال خبرنگاری که پرسید نظرتان در باره خرید اسلحه های پیشرفته از کشور شوروی برای مقابله با تهاجم احتمالی آمریکا که در سخنرانی دیروز (یکشنبه) مطرح شد، چیست؟ گفت: آنچه که خواست اولیه ماست این است که هیچ ملتی گرفتار سلاحهای پیشرفته که خیلی گران است و آثار تخریبی زیاد هم دارد، نشود و اصولا دلمان می خواهد بیشتر به سلاحهای تدافعی مجهز باشیم تا سلاحهای تهاجمی، ولی ضرورتها گاهی ممکن است چیزهایی که انسان نمی خواهد الزام کند.

وی در پاسخ سئوال دیگری در مورد خرید اسلحه از شوروی گفت: من مکرر گفته ام ما اسلحه را تا نیاز بدان نداشته باشیم نمی خریم و بنای ما بر ذخیره کردن اسلحه نبوده ولی وقتی که احتیاج داشته باشیم از هر جایی که مصلحت بدانیم و امکان خرید داشته باشیم، طبیعا می خریم. برای دفاع از کشورمان خودمان را به هیچ چیزی محدود نخواهیم کرد.

حجت الاسلام رفسنجانی در مورد گروگانها تاکید کرد که مصوبه مجلس باید اجرا شود. یکی از خبرنگاران پرسید: آیا در باره نزدیکی هر چه بیشتر به کشورهای سوریه، لیبی،

جلال الدین فارسی: ما باید به سلاحی که بتواند جواب ضربه انتقامی امریکا را بدهد، مجهز شویم

ما میتوانیم بدست بیاوریم و وجود دارد؛ دوم اینکه آیا ما که پیرو سیاست نه شرقی، نه غربی، هستیم میتوانیم با حفظ استقلال چنین سلاحی را بدست بیاوریم؟ اما مسئله اول، بلکه چنین سلاحی وجود دارد و با چنین سلاحی است که ناوگان آمریکا جرئت نمی کند به دلتهای نیرومند حمله کند. مگر نبود کره شمالی که ناوگان آمریکا را غرق کرد؟ مگر نبود موشک اندازهای مصر در دوره عبدالناصر، که بزرگترین کشتی اسرائیل را در دهانه کانال سوئز غرق کردند؟ مگر دولت کوچک کوبا، که بیخ گوش ایالات متحده آمریکا است، به سلاحهای مجهز نشد که میتواند تمام شهرهای آمریکا را تبدیل به خاکستر کند و همین خطر و دارد: یکی اینکه آیا چنین سلاحی

آقای جلال الدین فارسی، در سخنان خود در روز اربعین، ضمن اشاره به تهدید آمریکا علیه ایران (دست زدن به یک عمل تنبیهی) از جمله گفت: «این ضربه ای که آمریکا دم از آن میزند، اینست که در یک نقطه نیرو پیاده کند یا جزایر را بگیرد و از آن طریق راه کشتیرانی را به روی ما ببندد، یا یکی از شهرهای ما را بمباران کند. ما در مقابل این ضربه چه باید بکنیم؟ ما به آمریکا و ایالات متحده دسترسی نداریم، و در مقابل ناوگان آمریکا و تاسیسات نفتی آمریکا در منطقه هستیم که ششده عمر امپریالیسم آمریکا و غرب کاپیتالیست است. شما مردم باید به مسئولان دولتی هشدار بدهید که زمان را از دست ندهند. باید سلاحی بدست بیاوریم که

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

نهضت سوادآموزی - انقلابی در جامعه انقلابی ما

داشته‌اند. ممکن نبود که مخربین بتوانند آنها را به یک جبهتی که برخلاف آن مسیری است، که مسیر خود ملت است، تجویز کنند.

یکبار در دوران پهلوی پدر و دوبار در زمان زمامداری شوم پهلوی پسر، «تعلیمات اجباری» و «مبارزه با بیسوادی» اعلام شد، که کلا فاقد محتوای واقعی بود. تعداد بیسوادان کشور نه تنها تقلیل نیافت، بلکه با توجه به رشد جمعیت، سال بسال افزوده شد. نظام طبقاتی سرمایه‌داری وابسته با بازی از رسوبات اقتصاد و سنن و رسوم فئودالی نمیتوانست برای توده‌های مردم، فشارتکر علم و آگاهی باشد. این نظام دست‌نشانده امپریالیسم ماموریت سنگینش، سلطه فرهنگ طبقاتی و نواستعماری بر کشور ما و نگاهداشتن مردم در بی‌خبری و جهل بود و این خیانت را به کمال انجام داد.

انقلاب خلقی ما، می‌بایست مشعل سوادآموزی و دانش‌اندوزی را از درون کاکهای رفیع طبقات مرفه و ممتاز، به‌خانه‌ها و کلبه‌های محرومان جامعه آورد، پرتو علم را بر آنها بتاباند و سلطه زر را بر علم درهم شکند. با توجه باین وظیفه خطیر، از یکسال پیش نهضت سوادآموزی کار خود را آغاز کرد و هم‌اکنون سمینار خود را آغاز کرده است. مسئولان این جنبش گسترده خلقی، در تهران تشکیل شده، تا کار گذشته خود را بررسی کنند، نقاط ضعف و نارسائی‌ها را مشخص سازد و برنامه کار آینده خود را پی‌ریزی نماید.

هیچکس متوقع آن نیست که کار یکساله جهاد با بیسوادی میرا از عیب و نقص باشد، زیرا این جهاد مهم در حصار همان مشکلاتی بوده که انقلاب بطور کلی با آن سروکار داشته است. امام خمینی در این باره می‌گوید:

«در این یکسال آنطوری که باید مردم اقبال کنند و مسائل فراهم باشد برای نهضت سوادآموزی، نشده است، ولی امیدوارم که بعد بشود.»

این سخن امام خمینی هم توده محرومی را که تاکنون دسترسی به سوادآموزی نداشته است، در برابر وظیفه مهم آموختن قرار میدهد و هم مسئولان کشوری را در برابر وظیفه مهم ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی برای پیشبرد هدف خطیر ریشه‌کن ساختن بیسوادی.

آنجا که پای توده محروم بیسواد مطرح است، امام خمینی خطاب به آنان می‌گوید:

«روستائیان و سایر قشرهای بیسواد بدانند که این خدمت، خدمتی است که باید آنها به جان و دل قبول کنند و اینطور که گمان کنند، ما نمی‌توانیم. اینطور نیست، هر انسانی میتواند سوادآموزی کند و میتواند انسان بشود. علم از مهد تا لحد مجروح شدند، برپایه همین گزارش «مزدوران عراقی در بیست و چهار ساعت گذشته با توپخانه دوربرد خود مناطق مسکونی شهر آبادان را هدف آتش قرار دادند که به چند منزل مسکونی خساراتی وارد آمد.»

سختگویی امدادگران شهرستان آبادان در تماس با خبرگزاری پارس اعلام کرد:

«در روز گذشته یک تن بر اثر اصابت خمپاره در آبادان شهید و ۱۸ نفر دیگر مجروح شدند.» به گزارش خبرگزاری پارس: «عصر شنبه در جبهه آبادان درگیری بین نیروهای مدافع انقلاب و مزدوران بعثی عراق همچنان ادامه داشت و دلاوران جمهوری اسلامی ایران با شلیک توپ ۱۰۶ میلیمتری دو دیده‌بان خمپاره‌انداز دشمن را در حوالی

امام خمینی در جمع مسئولان نهضت سوادآموزی کشور، سخنان مهمی ایراد کردند، که باید هم از سوی سوادآموزان، یعنی داوطلبان تدریس و در کلاسهای مبارزه با بیسوادی، و هم از سوی سواد نیاموختگان، یعنی خیل عظیم بیسوادان کشور، مورد دقت و توجه فراوان قرار گیرد.

امام خمینی با اشاره به شماری که مسئولان نهضت سوادآموزی همراه داشتند که:

«... قلم‌هایمان را به مسلسل تبدیل می‌کنیم.»

این آرزوی شریف و والای انسانی را بیان داشتند که، روزی جنگ و ستیز از جامعه بشری رخت بپندد و دانش آگاهی در خدمت آن قرار گیرد. امام خمینی گفتند: «ما امیدواریم که بشر به رشدی برسد که مسلسل‌ها را به قلم تبدیل کند، آتقدری که قلم و بیان در خدمت بشر بوده است، مسلسل‌ها نبوده‌اند.»

امام خمینی به مسئولان نهضت سوادآموزی توجه دادند که:

«شما کوشش کنید که با بیان و قلم، مسلسل‌ها را کنار بگذارید و میدان را به قلم‌ها و به‌علم‌ها و به‌دانش‌ها واگذار کنید.» از سوی دیگر امام خمینی، هم سوادآموزان و هم سواد نیاموختگان را مخاطب قرار دادند، اهمیت خدمت گروه اول و ضرورت پذیرش این خدمت را از سوی گروه دوم، خاطر نشان ساختند. امام خمینی گفتند:

«شما سوادآموزان در تمام کشور بدانید که یک خدمتی دارید به انسان می‌کنید، که بالاترین خدمت‌هاست و روستائیان و سایر قشرهای بیسواد بدانند که این خدمت، خدمتی است که باید آنها به جان و دل قبول کنند.»

از وظایف سترگی که انقلاب در برابر دولت مطرح ساخته است، مسئله ریشه‌کن ساختن بیسوادی است. نظام وابسته، ضد خلقی و جهل‌پرور محمدرضا، جامعه‌ای برای ما به میراث نهاد که ۶۰ درصد آن بیسواد بودند. این نسبت در روستاها به بیش از ۷۰ درصد میرسد و نسبت زنان بیسواد در شهرها بیش از مردان بود و در روستاها فقط ۸ درصد زنان روستائی، سوادخواندن و نوشتن داشتند.

پنجاه و چند سال سلطه دوزخی خاندان پهلوی مانع عظیمی در راه پاسود شدن توده‌های مردم بود. این خاندان خیانت، موجودیت خود را در بیسوادی و بی‌خبری توده‌ها می‌داند و در این راه کوشا بود. امام خمینی در این مورد می‌گویند:

«تمام گرفتاریهایی که ما در طول این مدت تاریخ داشتیم، بهره‌برداری از جهالت مردم بوده، جهالت مردم را آلت دست قرار دادند و برخلاف مصالح خودشان تجویز کردند. اگر علم داشتند، علم جهت‌دار

انبار مهمات...

بقیه از صفحه ۱
بر پایه همین گزارش «در حوالی روستای مارد بسا آتش توپخانه رزمندگان انقلاب دو تانک ارتش مزدور عراق منهدم شد و از حرکت سه تانک دیگر آنان جلوگیری بعمل آمد.»

همچنین در این جبهه چند سنگر انفرادی مزدوران بعثی منهدم شد و تعدادی از آنها به هلاکت رسیدند.

این گزارش حاکیست که بمبادله آتش توپخانه میان رزمندگان اسلام از یکسو و مزدوران صدام تکریتی از سوی دیگر پیروز نیز در جبهه‌های آبادان جریان داشت و در این درگیریها دوتن از رزمندگان

حملة عدهای ناشناس به محل فروش نامه «مردم» در قم

از این جریان، چندتن از اسناداران انقلاب به فروشنده مراجعه کردند و ضمن اظهار تاسف، نشانی مهاجمین را برای تعقیب آنها خواستند.

ما ضمن اعتراض شدید از این واقعه از مقامات مسئول قم می‌خواهیم که امنیت لازم را برای فروش نامه «مردم» تامین و مهاجمین غیرمسئول را تعقیب و مجازات کنند.

توطئه گران امپریالیست و مزدوران داخلی آنها، که درصدد نابود کردن جمهوری اسلامی ایران هستند، تمام می‌شود، و به همین دلیل نیز خشم و ناپاوری توده مردم را، که خون در پای نهال انقلاب می‌دهند، برانگیخته و این خشم و ناپاوری در سخن رهبر انقلاب متجلی شده است.

«باید امتحان بشویم». این سخن امام خمینی است. و در واقع نیز همه در بوته تجربه غنی انقلاب، امتحان میشوند و با کردار و گفتار خویش، صلاحیت یا عدم صلاحیت خویش را به خلق می‌نمایانند. تمامی اعضاء تأمین آزادی و رفاه برای مردم و اعتقاد و وفاداری به دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در «بست»ها و «مقامها» به محاکم می‌خورند و بی‌پایگی یا صحت آنها نمایان میشود.

آری، اکنون هکسان دوران آزمایش خود را میگذرانند و بیشک کسانی که به خون مردم بی‌توجهند و از روی آن برای دستیابی به «مقام» و ارضای خودخواهی و جاه‌طلبیهای خویش، راه می‌گشایند و در آستانه تکوین توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، خواسته و ناخواسته زمینه‌های تفرقه و چنددستگی و تضعیف نیروی متحد خلق را فراهم می‌آورند و امکان موفقیت توطئه را افزون می‌کنند، از این آزمون سربلند بیرون نخواهند آمد.

خلق امتحان خود را داده است. اینک نوبت کسانی است که به نیروی خلق و برای خدمت به خلق به «مقام» رسیده‌اند.

و حاکم بر سرنوشت ملی خویش باشد، بدست آوردن سلاح نسبی، تواند هیچ خللی در اراده او و در حاکمیت او و در آزادی و کرامت او بوجود بیاورد. پیامبر اکرم در جنگها گاه از مشرکان و قبایل کافر اسلحه می‌خرید و با کفار دیگر می‌جنگید و گاهی به اندازه کافی پول نداشت و زره و شمشیر از کفار اجاره میکرد.

جلال‌الدین فارسی افزود:

«من پیشنهاد می‌کنم مجلس شورای اسلامی یک کمیسیون ویژه‌ای تشکیل دهد و مسئله را بررسی کند، باید به ضربه امپریالیسم آمریکا با سلاحی که بدست می‌آوریم و به دست ارتش غیور و دلیر اسلامی خویش می‌سازیم، جواب داده شود.»

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

بقیه از صفحه ۱

گروهی ناشناس، غروب روز چهارشنبه ۱۲ آذرماه ۵۹، به مغازه‌ای، واقع در خیابان ارم، که نامه «مردم» را هم می‌فروشد، حمله کردند. مهاجمین پس از پاره کردن روزنامه‌ها، با تهدید از فروشنده خواستند که دیگر نامه «مردم» نفروشد. بنا به اظهار فروشنده، چند پلیس شهرستانی که، در آنجا حضور داشتند، عکس‌العملی نشان ندادند. پس

خلق امتحان...

بقیه از صفحه ۱

برانگیخته است، بهیچوجه پذیرفتنی نیست. آنها در جنگ با تجاوز آمریکایی دارودسته صدام خون میدهند، در مقابل چستان خویش تکوین توطئه‌های خطرناکتر امپریالیسم آمریکا را مشاهده می‌کنند، ولی کسانی که مردم آنها را به قدرت رسانده‌اند، در پشت جبهه انقلاب به جنجال‌سازی برسرسب «مقام» مشغولند و این توده را بکلی از یسار برده‌اند، نشریات و قلمبهاشی، خائفانه تخم تفرقه می‌پاشند و بسود ضدانقلاب کار می‌کنند. بگفته امام خمینی، این «بیدار» نیستند دولت‌سردان، «بیدار» نیستند و خلق را به فراموشی سپرده‌اند و خلق از زبان امام معترض و پرسشگر است:

«روسا دولت‌مردان بیدار بشوند، مخصوصه را ترک کنند. این منظره‌ها را ببینند. این جوانهایی که خون خودشان را در راه اسلام داده‌اند، ببینند، این جوانهایی که شما را به این مقام رسانده‌اند، ببینند و دست از مخاصصات بردارند... از روی خون شهدا تگدرید بدون نظر و برای مقام دعوانتکید با هم.»

آری، کشمکش میان مسئولان و ایجاد تحریک و تسخیر درجبهه داخلی، آنهم درست در بجهوجه جنگ عادلانه و تدافعی بسا تجاوز آمریکایی دارودسته صدام در آستانه تدارک و انجام توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا، نه تنها امری عادی نیست، نه تنها بسود انقلاب نیست، بلکه درست‌بمنفع

ما باید...

بقیه از صفحه ۱

تهدید باعث شد که امپریالیسم آمریکا در برابر شوروی و کوبا تسهید بسپارد که هرگز به کوبا حمله نکند و تاکنون نتوانسته حمله کند؛ پس ما باید به سلاحی که بتواند جواب ضربه انتقامی آمریکا را بدهد، مجهز بشویم. اما مسئله دوم اینست که سلاحهای ما آمریکائی است و داریم با آمریکا می‌جنگیم. ما هم‌اکنون سلاحهای روسی داریم و داشتیم. اینطرف تانک روسی است، آنطرف جبهه تانک روسی است. سلاح وقتی منابعش متعدد باشد، وقتی ملتی مستقل باشد

است، از بیجگی تا نزدیک مردن است. امام خمینی با آرزوی فراهم آمدن امکانات برای نهضتی که باید حامل مشعل فروزان علم تا دورافتاده‌ترین روستاهای ایران باشد، در واقع توجه مسئولان کشوری را به اهمیت ایجاد امکانات جلب میکنند. بدینی است که در برابر مسئولان مملکتی در این زمینه، وظیفه دشواری قرار دارد. هم باید جنبش سوادآموزی را بسا امکانات مادی تامین کرد، تا بتواند کلاس و کتاب و قلم را نه فقط در دسترس اقشار بیسواد شهرها قرار دهد، بلکه به کلبه‌های روستائی برسد، و اینکار نیاز به بودجه کافی دارد؛ و هم باید نیروی انسانی لازم را در این راه بسیج کرد و از پاسوادان همه‌اقتدار و طبقات در این راه مدد گرفت، زیرا جز با تجویز سپاهی از سوادآموزان، ریشه‌کن ساختن بیسوادی این بالای جامعه انقلابی ما میسر نیست. در ضرورت تجویز و بسیج همگانی است که امام خمینی می‌گویند:

«جوانها، پیرها، بچه‌ها، روستائیان، شهریها همه باید کمک کنند به این امر مهمی که تمدن شما، اسلام شما، انسانیت شما و همه چیز شما تابع آنست، وابسته به آنست، تربیت کنند اینها را.»

امر خطیر مبارزه با بیسوادی، در واقع انقلابی است در داخل انقلاب، که باید کیفیت معنوی جامعه ما را متحول سازد، به توده‌های وسیع خلق آگاهی دهد و آنانرا

به مبارزان آگاه انقلاب تبدیل کند. برای به‌فرجام رساندن این انقلاب عظیم باید همه نیروها و همه امکانات را بکار گرفت و با توجه به رشد سالانه جمعیت، چنان‌برنامه‌ریزی کرد که در کوتاه‌ترین زمان به درمان این بیماری خطرناک توانا شد. باید آنقدر مدرسه بسازیم که هر سال میلیونها کودک پشت در مدارس باقی نماند؛ چنان به تربیت کادر آموزشی همت گماریم، که هیچ مدرسه و هیچ کلاسی فاقد معلم نباشد. مفهوم سوادآموزی را به خواندن و نوشتن خلاصه نکنیم و بویژه در مورد خردسالان و نوجوانان و جوانان، آنرا به سطح دانش و فن ارتقاء دهیم، تا این نسل بالنده قادر به رفع نیازهای جامعه خود باشد. با توجه به نقش عظیمی که زنان در مبارزات ضد امپریالیستی و ضداستبدادی قبل از انقلاب و در جریان انقلاب داشته‌اند، به امر ریشه‌کن ساختن بیسوادی در میان زنان اهمیت کافی قائل شویم، زیرا اینان سازندگان نسل آینده این مرز و بوم‌اند.

در یک کلام، همه بازوها و مغزها را بکار اندازیم، و از همه تجارب بیاموزیم، تا توفیق در حل این معضل بزرگ اجتماعی را بی‌روبرگرد سازیم.

میدان تیر آبادان بهلاکت رساندند. عصر جمعه نیز رزمندگان اسلام چند سنگر مزدوران صدام تکریتی و نیز یک چادر مهمات دشمن را در حوالی مارد منهدم کردند و چند تن از افراد دشمن را کشتند.»

بگزارش خبرگزاری پارس از آبادان: «جمعه گذشته دو فرزند هلیکوپتر عراقی در حاشیه جاده آبادان - ماهشهر در حال پرواز کوشیدند که مواضع رزمندگان اسلام را هدف راکت‌های خود قرار دهند. اما آتش پدافند ضد هوایی نیروهای ایرانی مجال فعالیت به آنها ندادند و هلیکوپترها مجبور به فرار شدند. دو میک عراقی نیز، که ساعت ۱۹:۱۵ روز جمعه وارد حریم فضائی آبادان شدند، بر اثر آتش ضد هوایی ارتش اسلام ناچار به

فرار شدند. بنا بر این گزارش «جمعه گذشته مزدوران بعثی عراقی با پرتاب موشک‌ها و بمناطق مسکونی در حوالی ایستگاه ۷ آبادان و پل بهمنشیر یک نفر را شهید کردند.»

توپخانه دشمن در طول روز جمعه گذشته مناطق مسکونی شهر آبادان را هدف قرار داد و چندخانه را ویران کرد.

بگزارش سختگویی امدادگران شهر آبادان متأسفانه بر اثر این حملات سه نفر بشهادت رسیدند و ۱۱ نفر جراحتی برداشتند.»

مجزور به فرار شدند. دو میک عراقی نیز، که ساعت ۱۹:۱۵ روز جمعه وارد حریم فضائی آبادان شدند، بر اثر آتش ضد هوایی ارتش اسلام ناچار به

درباره همزیستی مسالمت آمیز و «سازش ابرقدرتها»

اطلاع ناقص و علم نیمه‌کاره، گاهی از عدم اطلاع مطلق و ندانستن مطلق خطرناک‌تر است، زیرا اطلاع ناقص و علم نیمه‌کاره در دست کسانی که نمی‌دانند که نمی‌دانند، به آلت تخریب مبدل می‌شود. و اگر غرض نیز وارد معرکه شود، تخریب قوت صدچندان کسب می‌کند.

برخی‌ها با خواندن جزوه‌های چند، منتشره از جانب "سیا" و یا "ترتیب‌های بوک" ساخته "سیا" در "رد مارکسیسم" و یا "افشای رویزبونیسم"، خود را متبحر در مارکسیسم می‌پندارند و چون زندگی مست بر این دانش شگرف و جهان‌بینی انسانی می‌تازند، بعضی‌ها، که حتی این جزوات را هم نخوانده‌اند، با نقل قول به "رد مارکسیسم" می‌پردازند و به اصطلاح معروف "سینه به سینه"، افسانه‌های ضد مارکسیستی را از خود به دیگران منتقل می‌کنند و در هر انتقال چیزی هم بر این افسانه‌ها از خود می‌افزایند!

ما به همه کسانی که در صدد "رد مارکسیسم" برمی‌آیند، دوستانه توصیه می‌کنیم که اول، خود مارکسیسم را از منابع خود مارکسیسم بیاموزند و پس از آن، در قدم دوم به "رد" کردن چیزی بپردازند که از آن اطلاع کامل و یا لاف‌افشای کافی دارند. انتشارات و مطبوعات حزب توده ایران آن منابع اصلی است که هر جوینده‌ای خواهد توانست با مراجعه به آن‌ها از حقایق سیاسی و اجتماعی آگاهی واقعی حاصل کند.

در این سطور می‌خواهیم به صورت موجز و ملخص، مسئله "همزیستی مسالمت آمیز و لژهای دارای نظامات اجتماعی - اقتصادی مختلف" را مورد بررسی قرار دهیم. شرح این مسئله امروزه ویژه از آن لحاظ اهمیت و فعلیت کسب کرده است که عده‌ای از انواع "سیاستمداران" و "نظریه پردازان" می‌گویند ثابت کنند که: بلی، شوروی با آمریکا ساخته و دنیا را با او تقسیم کرده - مگر نه اینست که شوروی سالهاست مسئله "همزیستی مسالمت آمیز" را مطرح کرده؟! پس همزیستی یعنی چه؟ و برای چه هدفی است؟

برای حفظ صلح، راه دیگری جز اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز وجود ندارد.

برای اثبات صحت خط مشی "همزیستی- مسالمت آمیز دولت‌های دارای نظامات اجتماعی - اقتصادی مختلف"، حداقل این دلیل را می‌توان آورد: به تهنائی این یک دلیل کافی است - که: در صورتی که این خط مشی را مردود بدانیم، آن وقت باید خط مشی حرکت به سوی جنگ سوم جهانی را، که حتما جنگ موشکی - هسته‌ای خواهد بود، قبول کنیم. و این جنگ سوم - در حالی که ذخائر سلاح‌های هسته‌ای موجود در انبارهای دولت‌های جهان کفاف چندین بار ویران کردن سرنا سر کره زمین را می‌دهند - اگر درگیرد، به احتمال قوی، از نوع بشر نمونه‌ای در دنیا باقی نخواهد ماند، و اگر هم بماند، جز عده‌ای معلول بر روی تل خاکستری که تا دهها سال اشعه مرگ از آن خواهد زائید، چیز دیگری نخواهد بود. با سلاح‌های جدید و جدیدتری که هر سال بر زرادخانه جهانی اضافه می‌شود، دورنمای نتایج یک جنگ سوم جهانی صورت به مراتب وحشت‌انگیزتری به خود می‌گیرد.

پس در حالی که جامعه بشری در مسیر رشد تاریخی خود به دوراهی رسیده، که یک راه به سوی جنگ سوم موشکی - هسته‌ای جهانی می‌رود و راه دیگر راه جلوگیری از بروز این جنگ است - در چنین دورانی، از کدام راه باید رفت و وظیفه انقلابیون جهان و در پیشانی آنها وظیفه مارکسیست‌ها و بیروان سوسیالیسم علمی، در قبال خطری که تسل انسان را تهدید می‌کند، چیست؟ آیا باید به سوی جنگ جهانی موشکی - هسته‌ای رفت و یا باید از آن جلوگیری و بشر و فرهنگ آن را از خطر نابودی حفظ کرد؟

برای کلیه کسانی که از عادی‌ترین خرد انسانی برخوردارند، پاسخ این سؤال روشن است: باید با تمام نیرو از بروز جنگ جهانی موشکی - هسته‌ای جلوگیری کرد. و این ممکن نیست مگر این‌که دولت‌های دارای نظامات اجتماعی - اقتصادی مختلف، و قیل از همه دولت‌های سیستم سوسیالیستی و دولت‌های سیستم امپریالیستی - که بزرگ‌ترین تضاد جهان امروز، تضاد میان این دو سیستم است - با هم در جارجوب اصول همزیستی مسالمت آمیز زندگی کنند، اصولی که، اگر مراعات شود،

بروز جنگ جهانی را غیرممکن می‌سازد. پس این که اتحاد شوروی و همچنین سایر کشورهای سوسیالیستی و بسیاری از دولت‌های ضد امپریالیست و همه نیروهای هوادار صلح و مخالف جنگ، برجم سیاست همزیستی مسالمت - آمیز را به دست گرفته، برای این نیست که گویا شوروی می‌خواهد با آمریکا شراکت دنیا را تقسیم کند، بلکه برای حفظ بشر از خطر نابودی است و در شرایط امروز جز این، هیچ راه دیگری وجود ندارد.

مبارزه در راه همزیستی مسالمت آمیز یک مبارزه ضد امپریالیستی است

اصول عمده سیاست همزیستی مسالمت آمیز عبارتند از:

- ۱) احترام به استقلال و حق حاکمیت دولتها،
- ۲) عدم مداخله در امور داخلی کشورها،
- ۳) امتناع از صدور ضدانقلاب و یا صدور انقلاب به کشورهای دیگر،
- ۴) حل کلیه اختلافات میان دولتها از طریق مذاکره و مسالمت،
- ۵) امتناع از استعمال زور و یا تهدید به استعمال زور در مناسبات میان دولتها،
- ۶) گسترش مناسبات همکاری بر پایه برابری و سود متقابل میان کشورها،
- ۷) خلع سلاح عمومی و اصول نظیر...

اگر همه این اصول مراعات شود: اولاً - خطر بروز جنگ سوم جهانی و امحای نوع بشر به طور قطع از میان خواهد رفت و ثانیاً - راه پیروزی انقلاب‌های رهایی بخش خلق‌های نازیباز خواهد شد. مگر نه اینست که همه آن انقلاب‌های رهایی بخش که سرکوب شده‌اند و یاد نیمه راه جوانمرد گشته‌اند (از جمله نهضت ملی شدن نفت در ایران، حکومت آئینده در سیلی، حکومت سوگارتور در اندونزی و غیره) در نتیجه مداخله امپریالیسم جهانی و صدور ضد انقلاب توسط امپریالیسم، به ویژه آمریکا، کارشان به ناگامی و احراق کشیده؟ لذا ما حق داریم بگوئیم که همزیستی مسالمت آمیز، علاوه بر دفاع از صلح، در واقع یک مبارزه بزرگ‌مغانی خلق‌های جهان علیه امپریالیسم نیز هست. اگر در نظر بگیریم که امپریالیسم فقط با نقض اصول مذکور در بالا می‌تواند مقاصد راهزانه خود را اجرا و به حیات خود ادامه دهد، آنوقت باید قبول کنیم که تحمیل همزیستی مسالمت آمیز - بر امپریالیسم، علاوه بر حفظ صلح جهانی، در واقع مبارزه انقلابی جمیع بشر علیه سیستم خون‌آشام سرمایه‌داری جهانیست.

برخی‌ها می‌گویند، اگر طبق اصول همزیستی مسالمت آمیز، "صدور انقلاب" نیز به همراه "صدور ضدانقلاب" جزء کارهای ممنوع است، پس این به معنای "سازش با امپریالیسم و ضد انقلاب جهانی" نیست؟ این افراد باید بدانند که اولاً - همزیستی مسالمت آمیز به مناسبات میان دولتها مربوط است و در میان ایدئولوژی‌ها هیچگونه همزیستی نمی‌تواند وجود داشته باشد. ثانیاً - "صدور انقلاب" کار دولت‌ها نیست و همانطور که امام خمینی صریحاً اشاره کرده‌اند، ما هم که در ایران از "صدور انقلاب" خود سخن می‌گوئیم، منظورمان ایدئولوژی "کشورگشائی" نیست. انقلاب در هیچ کشوری از طریق "صدور" از کشور دیگر، نمی‌تواند به وجود بیاید. انقلاب در هر کشوری کار خلق خود آن کشور است که باید با الهام از نمونه زنده انقلاب دیگر خلق‌ها و پشتیبانی معنوی سایر خلق‌ها، خود خلق‌ها بیاورند.

همزیستی مسالمت آمیز را نباید به معنای تمنا و تقاضا از امپریالیسم تصور کرد. در پشت سر خط مشی همزیستی مسالمت آمیز اولاً - اراده خلل‌ناپذیر بشر برای حفظ صلح جهانی و ثانیاً - نیروی عظیم مادی و معنوی و قدرت دفاعی و اعتبار سیاسی جهان سوسیالیسم و همه کشورهای ضد امپریالیست و همه نیروهای صلح دوست قرار دارد. این دو عامل بزرگ، همزیستی مسالمت آمیز را بر امپریالیسم جنگ طلب تحمیل می‌کند و اصول نامبرده همزیستی مسالمت آمیز را، تا آنجا که بتواند، برخلاف اراده امپریالیسم اجرا می‌کند و به معنای روابط بین‌المللی مبدل می‌سازد.

«سازش ابرقدرتها» یک نظریه امپریالیستی - مائوئیستی است

خط مشی همزیستی مسالمت آمیز دولت‌های دارای نظامات اجتماعی - اقتصادی مختلف را لنین، رهبر و بنیان‌گذار نخستین دولت

سوسیالیستی جهان بر اساس برخورد علمی و انقلابی به جهان موجود، طرح و تدوین کرد و در مدت ۶۳ سالی که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر گذشته، همواره بنیان سیاست خارجی دولت شوروی را تشکیل داده است. این را آنجا ناشی می‌شد که اولاً - جنگ محصول جامعه مبتنی بر استثمار و تضاد طبقاتی است و جامعه سوسیالیستی، که استثمار انسان از انسان و تضاد طبقاتی و ستم ملی را نابود می‌سازد، به اقتضای سرشت خود، مخالف جنگ برادریست و تجاوز و تعدی است. ثانیاً - سوسیالیسم به حقانیت تاریخی خود اعتقاد دارد و نیازی به آن نمی‌بیند که برای رواج ایدئولوژی و سیاست خود در کشورهای دیگر، دست به جنگ بزند. سوسیالیسم با نمونه خود نشان می‌دهد که نظام فارغ از جنگ، استثمار، فقر، بی‌عدالتی و ستم ملی است.

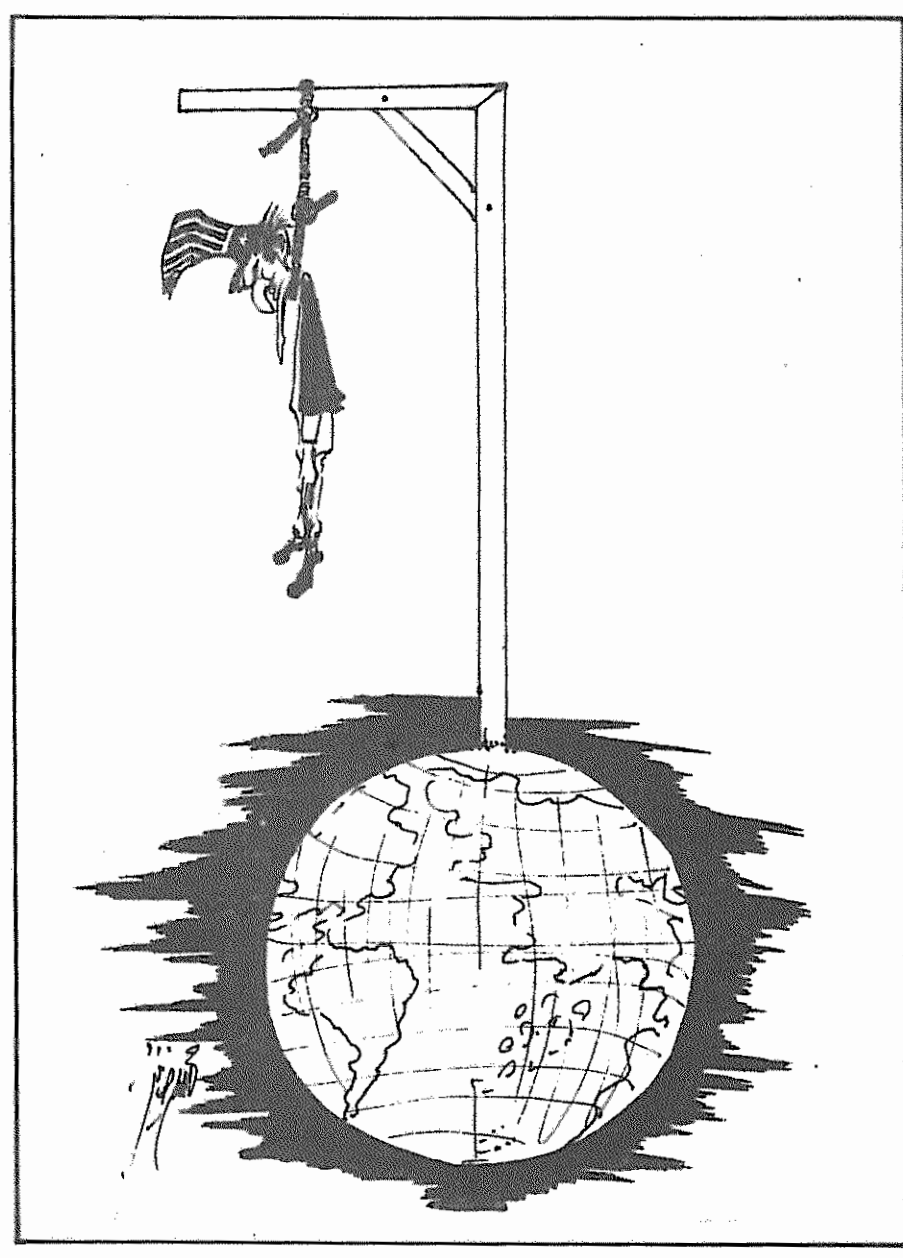
اگر همزیستی مسالمت آمیز به معنای "سازش شوروی با آمریکا"، به معنای پشت پا زدن به اصول انترناسیونالیسم پرولتری و همبستگی انقلابی خلق‌ها و پشت کردن به جنبش‌های رهایی بخش خلق‌ها، به معنای "تقسیم جهان با آمریکا" و "حق السکوت" در برابر این "تقسیم" می‌بود، آنوقت پس از پیدایش دولت شوروی می‌بایست جنبش انقلابی جهان تعطیل می‌شد و یا امپریالیسم هم طبق اصل "سازش و تقسیم"، به اندازه سوسیالیسم "سهم می‌برد". ولی به طوریکه همه جهان می‌بینند، اولاً - پس از پیدایش دولت شوروی نه تنها جنبش انقلابی جهان تعطیل نشده، بلکه برعکس، سال به سال شدت و وسعت بیشتری یافته است. ثانیاً - جنبش‌های رهایی بخش در جهان وجود ندارد که بدون پشتیبانی معنوی و مادی اتحاد شوروی پیروز شده باشد و یا توانسته باشد این پیروزی را حفظ کند. ثالثاً - این چه "سازش و تقسیمی" است که مرتباً سرمایه‌داری می‌بازد و مرتباً سوسیالیسم می‌برد؟ آیا "آمریکا" یا "شوروی" توافق کرده که مرتباً در دنیا بر قلعه سوسیالیسم و رژیم‌های ضد امپریالیستی و مستقل افزوده شود؟

بی‌خبران و بی‌مغزها، مخصوصاً دوران پس از گنگره - سیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی را (۱۳۳۵) "دلیل" تهاجم خود بر اصل همزیستی مسالمت آمیز می‌آورند. اینان می‌گویند: نه خیر، دولت شوروی در ابتدا

"انقلابی" بوده و پس از گنگره - سیستم به راه "رویزبونیسم" و "سازش با آمریکا" افتاده است. نشخوارکنندگان این مدعی مائوئیستی به این سؤال چه پاسخ می‌دهند که: اگر حرف آن‌ها درست است، پس چگونه است که پس از سال ۱۳۳۵، در دهها کشور جهان و از جمله در الجزایر، سوریه، ویتنام، آنگولا، اتیوپی، یمن - دمکراتیک، لیبی، افغانستان، کامبوجیا و غیره با پشتیبانی معنوی و مادی کشورهای سوسیالیستی و در نوبت اول اتحاد شوروی، انقلاب‌های ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه خلقی و سوسیالیستی پیروز شده است؟ مگر در همین دوران نبود که اتحاد شوروی برای دفاع از کوبای آزاد، در بحران کارائیب تا حساس‌ترین مدارج خطر جلو رفت و وظیفه انترناسیونالیستی خود را نسبت به کوبای از بندرسته انجام داد؟

انقلاب شکوهمند ایران نیز در شرایط مبارزه جهانی در راه همزیستی مسالمت آمیز پیروز شد. بر مبنای اصول همزیستی مسالمت آمیز بود که در گرما گرم اوج انقلاب شکوهمند ایران، دولت شوروی اظهار کرد که حل سرنوشت ایران مختص خود مردم ایرانست و او مداخله هیچ دولتی را به هیچ بهانه‌ای در امور ایران - یعنی صدور ضد انقلاب به ایران را - تحمل نخواهد کرد. و اتحاد شوروی این اظهار را پس از پیروزی انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی ایران نیز تکرار کرده است.

پس بر همه کسانی که در سرنوشت خلق و انقلاب تأثیری دارند، واجب است که بسیار مواظب باشند تا با نادانسته در دام مقلطه‌های دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی - مائوئیستی بیفتند. کسی که به سرنوشت بشر و سرنوشت خلق خود می‌اندیشد، نمی‌تواند مخالف اصل همزیستی مسالمت آمیز باشد که جهات عمده آن را ما اختصاراً بیان کردیم. آیا همه حرکتها، جنبش‌ها و انقلاب‌ها برای رهایی انسان، برای سعادت انسان و برای شکوفائی جامعه بشری نیست؟ پس باید نسل امروز بشر بتواند گسستی بر شکوه انقلاب جهانی را، بی آنکه به صخره جنگ جهانی سوزانی بخورد، از میان امواج بر تلاطم عصر ما بگذراند. اطمینان داریم که عقول و طوب هشیار و روش خلق ما هم این مسئولیت تاریخی را به خوبی درک می‌کنند.



قلب حمتگان برای انقلاب می تپد!

جنگ تحمیلی رژیم صدام که ششمین توطئه از مجموعه توطئه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است، هم اینک سبب شده است که خون هزاران مبارز شریف و دلیر ایرانی بر زمین ریخته و این خون دلاوران ایران است که سدی در برابر پیشبرد مقاصد آزمندانه امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ایجاد کرده است. حمتگان کشور ما، در عین سختی و تنگدستی، آنگاه‌ها نه‌پوشوربه مقابله با توطئه‌های آمریکا برخاسته و نگذاشته اند که کمبودها و دردها سبب ساز بی تفاوتی آنها نسبت به انقلاب گردد. آنان با جان و دل از سنگران انقلاب دفاع می‌کنند و حاضرند تا آخرین قطرات خون خود را نیز در راه بارور ساختن نهال انقلاب بدهند. صف حمتگان ایران، هر روز که میگذرد در مقابل خصم انقلاب فشرده تر و استوارتر می‌شود. در این میان حمتگان بیمارستانها، که اینک در زمان جنگ بویژه با مسئولیت‌های سنگینی روبرو هستند، وظایف خود را بنحوی احسن انجام میدهند. برای آگاهی از نظریات و خواستهای کارکنان بیمارستان امام خمینی، به این بیمارستان میرویم.

این بیمارستان جزء ۵۰ درصد بیمارستانهای موجود در تهران است که زخمیهای جنگ را می‌پذیرد. کارکنان این بیمارستان از خدمه ساده تا بهیاران و پرستاران و پزشکان شبانه روز در تلاش مداوم و ایمنیهای جنگ هستند. آنان در عین اینکه خواستهای صنفی فراوانی دارند، از کمکهای بیدریغ به جبهه خودداری نورزیده‌اند. آنان دوروز از حقوق آنان ماهه خویش را به جنگ زدگان و جبهه اختصاصی داده‌اند. از بیمارستان امام خمینی تعدادی بهیار و پرستار و پزشک داوطلبانه برای خدمت به زخمیهای جنگ به جبهه رفته‌اند.

در بیمارستان از آغاز جنگ ستاد بسیج تشکیل شده است که تا حدودی به کارکنان این بیمارستان تعلیمات نظامی داده است. هم چنین ستاد بسیج بیمارستان تا حدودی توانسته است مقررات و امکانات ایمنی را در مقابل حملات هوایی دشمن ایجاد کند. با یکی از کارکنان بیمارستان بنام حسن کریمی که در بیمارستان به کار باغبانی اشتغال دارد، صحبت کردیم. حسن کریمی ۵۰ ساله، گفت:

"بیمارستان حق مسکن و خواربار نمیدهد، اکنون دو سال است که مستاجر نشینم و از حقوق ناچیز خود ماهی ۸۰۰ تومان به صاحبخانه می‌دهم و با تنگدستی زندگی میکنم. دوپسردارم که یکی داوطلب جنگ شده است، از خدا می‌خواهم که ما را در جنگ با آمریکا پیروز گرداند. تمام بدبختی‌های ما از آمریکاست." و این چنین است که حمتگان ما، در عین تنگدستی، قلبهایشان برای انقلاب می‌تپد.

نگاهی به وضع شرکت پردیس و مسائل مرغداریها:

با اتخاذ سیاست‌های درست باید در رفع کمبودها کوشید

سایر مرغداریها گرا ترمی شود. در نتیجه تقاضا برای خرید از این مرغداریها کم میشود و بالطبع آنها در رقابت با مرغداریهای دیگر دچار ورشکستگی می‌شوند و پس از مدتی از ادامه کار باز میمانند.

۲- با تعطیل شدن مرغداریها بدون شک بازار نیز دچار کمبود مرغ خواهد شد. با کمبودی که بوجود می‌آید، سودجویان و عوامل خدا انقلاب سعی خواهند کرد قیمتها را بالا ببرند و از این طریق نا رضایتی را در بین مردم افزایش دهند. البته این گرانی تنها بردش حمتگان سنگینی خواهد کرد.

۳- کارگران نیز با تعطیل شدن مرغداریها بیکار خواهند شد و بر تعداد بیکاران خواهند افزود.

با اقدامات قاطع میتوان این مشکلات را حل کرد، و این وظیفه مسئولین است که راه‌حلهای مناسب را جهت رفع مشکلات بکار گیرند. اقداماتی نظیر:

۱- طرح برنامه‌های مشخص برای هماهنگ کردن مرغداریها و قرار دادن آنها تحت نظریک وزارتخانه یا سازمان دولتی.

۲- اعلام قیمت رسمی برای مرغ و جلوگیری از اقدامات سودجویانه و ضد انقلابی محتکران و عوامل خدا انقلاب.

۳- تامین خوراک طیور و دادن وام وامکانات به مرغداریها برای تولید بیشتر توسط تعاونیها و نظارت کامل بر چگونگی کار و تولید آنها.

(مرغ زنده) است. علل مختلفی برای این کمبود وجود دارد که عمده‌ترین آن نبودن هماهنگی بین مرغداریهای ملی شده است. یک نمونه از این عدم هماهنگی، نداشتن مرکزیت و برنامه مشخص برای اداره آنهاست. مرغداریها پس از ملی شدن هر یک تحت نظارت سازمانهای مختلفی قرار گرفتند. تعدادی زیر نظر وزارت کشاورزی فعالیت کردند، تعدادی زیر نظر سازمان صنایع قرار گرفتند و مسئولیت تعدادی را هم جهاد سازندگی پذیرفت. بعضی از آنها نیز بطور آزاد محصول کار خود را پخش کردند. این مسئله باعث شد تا دو نوع قیمت برای مرغ در بازار وجود داشته باشد، یکی با قیمت هر کیلو ۲۱۰ ریال، که از طریق شرکتهای تعاونی و بوسیله شرکت پردیس تهیه می‌شود. نوع دیگر از قرار هر کیلو ۲۳۰ ریال، که بطور آزاد در بازار توزیع میشود.

اینگونه رقابت در بازار می‌تواند خطرات جدی برای مرغداریها و کارگران آنها بوجود آورد، که عبارتند از:

۱- تعطیل شدن برخی از مرغداریها - تعدادی از مرغداریها، به علت آنکه خوراک طیور را با قیمتی گرانتر بدست می‌آورند و برخی علل دیگر، قیمت تمام شده برایشان بیشتر می‌شود. به این ترتیب بهای مرغ نیز افزایش می‌یابد و قیمت آن از

شرایط جنگ در بسیاری از کارخانه‌ها و مراکز تولیدی نارسا می‌گردد و کمبودهای را ایجاد کرده است.

بعلاوه تجا و رژیم صدام به کشورمان و بهیاران بعضی از مراکز اقتصادی و تولیدی از جمله بالایشگاهها، مراکز تولیدی در زمینه سوخت دچار کمبود هستند. همچنین مواد اولیه لازم به مقدار کافی در دسترس وجود ندارد. این مسائل در کنار هم روند تولیدی بسیاری از کارخانه‌ها را مختل ساخته و برخی از آنها را بسوی ورشکستگی و تعطیلی می‌کشد. پس لازم است که با اتخاذ سیاستهای درست و بجای بیت کوشش خود را برای جلوگیری از تعطیل شدن کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و پاک شدن تولید آنها بکار گیریم.

شرکت پردیس، نمونه‌ای از شرکتهایی است که به علت مسائل گوناگون، از جمله کمبود سوخت و خوراک طیور، نا هماهنگی و عدم استفاده از ظرفیت کامل خود، کمتر از ظرفیت واقعی تولید می‌کند، و این در شرایطی است که با کمبود مواد غذایی مخصوصا گوشت روبرو هستیم.

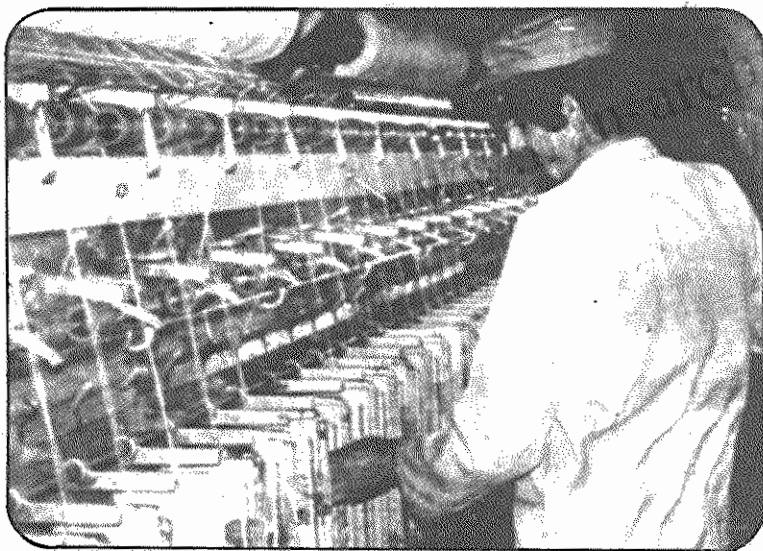
شرکت پردیس در تاریخ ۵۹/۳/۹ ملی اعلام شد. پس از آن نیز حدود ۱۳ مرغداری ملی اعلام شدند. تمام محصول این مرغداریها تقریبا در اختیار شرکت پردیس قرار می‌گیرد، ولی با اینحال تکافی آن را نمی‌کنند و همواره دچار کمبود مواد اولیه

کارگران کارخانه ریسندهای پشم «هراز» آمل در مقابله با رژیم صدام و کم کاری

با بستن و سازشکاران را طرد کنند. وظیفه ما اینست که جلوی احتکار را بگیریم و سعی کنیم تولید را با لابریز و اضافه کاری کنیم. کم کاری و اعتصاب نکنیم چون اینکار ضربه‌ای به انقلاب است. اگر این انقلاب پیروز شود، برای ما رفاه خواهد آورد، و مهم‌تر از آن، مستقل و آزاد می‌شویم. دشمن، اهلیات انقلاب ایران آمریکا ست. دوستان انقلاب نیز کشورهایی هستند که نیازهای انقلاب ما را تامین می‌کنند و اعلام همبستگی کرده‌اند، مثل سوریه، لیبی و الجزایر.

کارگران این کارخانه برای آموزش نظامی به سپاه پاسداران آمل مراجعه کرده‌اند ولی به علت نداشتن سازمان صنفی - سیاسی که بتواند نمایندگی کارگران را داشته باشد و در این زمینه فعالیت کند، این تقاضا هنوز عملی نشده است.

همچنین کارگران مبلغ سی هزار ریال بول و سبزه کیلو برنج برای کمک به جبهه جمع - آوری کرده‌اند.



کارگران کارخانه ریسندهای پشم «هراز» آمل با کار و تولید بیشتر، با توطئه‌های آمریکا و عوامل داخلی - خارجی مبارزه میکنند.

همه ززن و مرد و کوچک و بزرگ باید در جنگ شرکت کنیم، تا انقلاب ایران را حفظ کنیم. امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم دشمن شما رهیک ما هستند. ما باید با کمک گرفتن از کشور - هائی که دوست ایران هستند

مثل سوریه و لیبی. محاصره اقتصادی غرب در در هم بشکنیم. مقامات مسئول نیز باید به وضع کارگران و کارخانه‌ها رسیدگی کنند. به مردم زحمتکش برسند، طرف ما را بگیرند، جلوی خدا انقلاب محکم

کارگران کارخانه ریسندهای پشم «هراز» آمل، با کمک جبهه جبهه برای مقابله با دشمن متجا و زوجهای از هر نوع کم - کاری در کارخانه، به مبارزه علیه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و عوامل داخلی - خارجی ادامه دادند.

این کارخانه نخیشمی تولید می‌کند. قسمت عمده مواد اولیه کارخانه، که بیش از ۸۰ درصد تا مین می‌شود، ماشینهای کارخانه در خارج از کشور ساخته شده‌اند. ولی لوازم یدکی آن در داخل تهیه می‌شود. در حال حاضر ۳۴ کارگر در کارخانه بصورت دوشیفت ۸ ساعته کار می‌کنند. تولید کارخانه بین هفتصد تا هشتصد کیلو است، در حالی که قبلا ۱/۲ تن بود.

مشکلات این کارخانه کمبود وسایل یدکی از جمله ریسنک دستگاها، کمبود سوخت، نداشتن روغن برای موتور برق و نداشتن ماشینها، و گریس است.

کارگران این کارخانه در مورد جنگ و نقش کارگران در شرایط کنونی انقلاب می‌گویند: "عراق جنگ را بر ما تحمیل کرده و صدام نوکتر آمریکا است.

کارخانه آجر ماسه آهکی ایران شهر چرانیمه کاره مانده است

وجود ندارد، لذا هیچ دلیلی نیست که این کارخانه نیمه کاره باقی‌ماند یا توجه به اینکه این کارخانه سیستم پیچیده‌ای ندارد که نتوان از کارشناسان داخلی و یا از کارشناسان کشورهای دوست برای برآورد انداختن آن کمک گرفت، ولی تاکنون حتی یک امتحان هم برای اینکه بتوانیم خود در راه اندازی آن بکوشیم، بطور جدی صورت نگرفته است.

این کارخانه میتواند علاوه بر رفع احتیاجات منطقه بسیاری از بیکاران را نیز بکار گیرد و لذا ضرور است که مقامات مسئول برای برآورد انداختن آن اقدام جدی مبذول دارند.

کارخانه آجر ماسه آهکی، که سیستم جدیدی در تهیه آجر بدون کوره آجرهای فشاری و بهینی و عمل خشت زنی است، معمولا در مناطق دارای ماسه زیاد با صرفه خواهد بود. به این دلیل قبل از انقلاب ساختمان این کارخانه که در این منطقه منحصرا فرد است، در کیلومتر ۱۰ جاده ایران شهر - جاده درکنار ایران شهر شروع شد و تا انقلاب، هشتاد درصد عملیات ساختمانی و تجهیزات آن به اتمام رسید. ولی کارشناسان آلمانی کارخانه، بمنظور در فشار قرار دادن ایران، از بر سر انجام رساندن کارهای عمرانی سرباز زدند و این کارخانه نیمه کاره ماند.

منطقه ایران شهر احتیاج مبرمی به آجر دارد و قیمت آجر در این محل بسیار بالاست و کوره آجرپزی معمولی هم

طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

ادامه قاطع فعالیت هیئت‌های نفوری، راه‌نبرد با نبرد با ضدانقلابیون روستاها - این ریشه‌های گندیده رژیم سابق - است

چهره‌ات استخوانی است، برپسر نازک نارنجی و عزیز در دانه او برتری داری. و بالاخره نمی توانی بپذیری که تو میزبانی و او انگل توست و اگر می بینی که پینه‌های دستت بیش از حد کلفت شده و در هنگام کار دست و بدنت رانج می دهد، بدلیل آنست که سهم او نیز بدست تو جسیده است.

انقلاب مادرگیر با مسائل مشکلاتی است ولی مردم میدانند که برخی از آنها ارزشمندی منفرجه‌پهلوی بجا مانده و بعضی دیگر پس از انقلاب بدست خرابکاری دشمن اصلی و شیطانهای وردست او، بوجود آمده و یا شدت پیدا کرده‌اند. ضدانقلابیون، یعنی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ که خود در ایجاد این مشکلات و نارسائیه‌ها سهم بزرگی داشته و دارند، با سوء استفاده از این مشکلات میکوشند که انقلاب را به شکست بکشانند. ولی این کوشش ضد انقلابی را مردم انقلابی ما و رهبری انقلاب عظیم خواهند گذاشت. بردولت و تمام مسئولان انقلابی است که با اجرای فوری قانون اصلاحات ارضی در روستاها و ایجاد انواع گوناگون تعاونی‌ها و دیگر اقدامات بنیادی بسود زحمتکشان کشورمان، توطئه این توطئه‌گران و غارتگران را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خنثی سازند.

این قبیل راطرح می کنند که، وضع اقتصادی ناچوار است، وسایل و لوازم زندگی گران و کمیاب شده، قیمت غذا و پوشاک و گوشت و... بالا رفته، نفت و بنزین دست تنگ است، جوانهای ما دارند نابود می شوند، منابع و تاسیسات نفتی مادر حال سوختن هستند، شهرهای ما خراب شده‌است و... و بالاخره گروگانهای آمریکایی؟ دست آخر هم چرا این آخوندها نمی روند دنبال کارشان؟ و دنبال مسجد و منبرشان؟ یعنی درست همان حرفهای لیبرال ها که در شهرهای هم عنوان شد و موجب تشنج گردید. در مورد هدف ضدانقلابیون از این اعمال، در مقاله آمده است که: "با این سخنان دغلاکارانه میخواهند مردم محروم و زحمتکش را که از صبح تا شب بخاطر امرار معاش و بخاطر جنگ اقتصادی با آمریکای جنایتکار و جنگ نظامی بانوکسر سپرده‌اش صدام مزدور و بابیل و کلنگ دست و پنجه نرم میکنند، مایوس و ناامید و نگران و آفسرده خاطر بنمایند." مقاله "ضدانقلابیون روستا" در پایان علت خصومت و دشمنی ضدانقلابیون نسبت به انقلاب و زحمتکشان کشورمان را اینگونه توضیح داده است: "... نمی توانند قبول کنند که توروستانی و توفقیروتهدست که لباست پاره و دستت بینه بسته و

روزنامه "پیام روستا" ارگان جهاد سازندگی استان بزد، در شماره هشتم خود در مقاله‌ای تحت عنوان "ضدانقلابیون روستا"، به افشاء ضدانقلابیون بطور کلی و خصوصاً ضدانقلابیون در روستاهای میهنمان پرداخته و با بررسی نحوه عمل آنان، نقاب از چهره زشت این غارتگران و خونخواران و دشمنان سوگند خورده جمهوری جوان و انقلابی اسلامی ایران بر گرفته است. این نشریه ضدانقلابیون روستا را چنین معرفی کرده است: "... بله، ضدانقلابیون را می گفتیم، کسانی که بقول امام ریشه‌های پوسیده و گندیده رژیم سابقند، بعضی از آنها در سابق به عنوان رئیس انجمن ده و یا رئیس خانه انصاف و یا کدخدای رکن پنجم ساواک عاری از مهری را تشکیل می دادند و بعضی زمین فروش و دلال و همدست ارباب و گروهی در فساد اخلاقی غوطه ور بودند و هم اکنون دایه دلسوزتر از مادر شده اند و مشغول سمپاشی و آیه یاس خواندن می باشند." مقاله مذکور آنگاه سوء استفاده ضدانقلابیون از مشکلات و نارسائی های موجود را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران افشاء کرده است. در مقاله در این خصوص آمده است: "اکثر این افراد مسائلی از

اقدامات جهاد سازندگی گلبایگان در راه سازندگی این منطقه

نهاد انقلابی "جهاد سازندگی" با فداکاری و کوشش بی مانند در خدمت مردم محروم روستاهاست. یکی از نمونه های شایان تحسین آن فعالیت جهاد سازندگی شهرستان گلبایگان است که گزارش از اقدامات کمیته های کشاورزی، فنی و فرهنگی آن از ابتدای تاسیس، چندی پیش منتشر شد. توجه به امور روستائیان - به گفته ما مخمینی - از بزرگترین عبادت ها و فتح قلوب است که بالاتر از فتح کشورهاست و موجب تحکیم انقلاب می شود. خلاصه ای از فعالیت این نهاد چنین است:

کمیته کشاورزی با عواقب سیل گلبایگان با جدیت مقابله کرده و به تخلیه روستای فایان و انتقال خواهران و برادران ساکن این روستا و تامین غذا و امکان برای آنها پرداخت، موتورهای آب در بیش از ۱۰ روستا کار گذاشت، و در سه دهکده طرح زهکشی را انجام داد و کارهای زیادی در زمینه احیای قنوات و حفرچاه، ایجاد میان بر و سیل بند را به پایان رسانید.

روستاها متعدد گلبایگان شاهد فعالیت های پر - ثمری از قبیل لایروبی و سنگ بندی قنوات، ایجاد آب برگردان، بازکردن آب بسته قنوات، پاک کردن کوره های قنوات و... توسط کمیته کشاورزی جهاد سازندگی گلبایگان بوده - اند. تعداد طرحهای مذکور تاکنون ۳۹ مورد است.

در زمینه خدمات دام پزشکی نیز اقداماتی نظیر تحقیق درباره میزان ابتلاء و تلفات دامها و نوع بیماریهای موجود در منطقه (تعداد گاو و بیش از ۲۰ هزار رأس تعداد گوسفند و بز بیش از ۲۰ هزار رأس تخمین زد می شود)، پیشگیری توسط واکسیناسیون (مایکوبی) دامها (بیش از هزار و پانصد رأس گوسفند و ۸۰۰ رأس گاو) و آموزش مسائل دامپزشکی (بیماریهای مشترک انسان و دام و بهداشت مواد غذایی و محیط زندگی روستائیان) و درمان ۶۰ رأس گاو و گوسفند انجام گرفته است.

پروژه شناسائی و پیشگیری بیماریهای گیاهی در منطقه گلبایگان نیز انجام شده است.

همکاری در زمینه قانون و گذاری زمین و همکاری با هیئت های نفوری نیز جزء اقدامات بسیار موثر و انقلابی جهاد سازندگی گلبایگان بوده است.

کمیته فنی جهاد سازندگی گلبایگان نیز به ساختمان و تعمیر مدارس (۶ مورد)، حمام (۶ مورد)، آب رسانی، تکمیل ساختمان یک کارخانه تولید پنیر، لوله کشی آب آشامیدنی، تکمیل ساختمان یک مسجد و راه سازی و ویل سازی پرداخته است.

کمیته فرهنگی جهاد سازندگی تاکنون ۱۳ کتابخانه با ۱۲۷۱ کتاب (در مجموع) در روستاهای مختلف منطقه دایر کرده است و به اجرای نمایشنامه و نمایش فیلم برای روستائیان پخش اعلامیه و پوستره های تبلیغاتی بمناسبت های مختلف، دست زد است.

برداشت و ام به روستائیان از طریق بانک صادرات و کمک به تشکیل شوراهای اسلامی در چهار روستا از دیگر اقدامات جهاد سازندگی است.

امیدواریم که اقدامات مفید و سازنده جهاد سازندگی گلبایگان روز بروز وسعت بیشتری یابد و کشاورزان زحمتکش ما، پس از سالها تحمل ستم و رنج، روزهای خوبی را در پیش داشته باشند.

دهقان تهیدست:

«من جانم قربان این انقلاب است»

روستای گوی تپه با ۴۰۰ خانوار و ۲۵۰۰ نفر سکنه در ۷ کیلومتری ارومیه از توابع باراندوزچای و یکی از روستاهای بزرگ منطقه است. اگر چه حمام و درمانگاه ندارد. در این روستا ۴۰ خانوار بی زمین هستند.

با یکی از دهقانان بی زمین بنام محرم گفتگوی داریم. او میگوید:

"من زمین ندارم و حالاهم بیکار هستم. برای درم به جبهه جنگ رفته است. اگر ما مدستور دهم، ما ها نیز بجنگ یا نوکران آمریکا خواهیم رفت."

وی سپس اضافه می کند:

"من اکنون مجبور هستم از بچه های برادر منیز، که به جنگ رفته، مواظبت کنم. چند روز پیش در زمینها که سبب زمینی کاشته شده و محصول آن برداشت شده است مقداری سبب زمینی پیدا کرده ام. ان شاء الله چند

امام خمینی: حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه داران بسزراکت خورده اند، به محرومین باز پس داده می شود.

دهقانان! از اعضای متعهد نهادهای انقلابی جهاد سازندگی و سپاه پاسداران برای تشکیل شورای ده و تسریع کار هیئت هفت نفوری کمک بگیرید



در روستای «ایگدر»

۳۰ خانوار در روستای ایگدر از توابع محال بکشولواجی (ارومیه) زندگی می کنند. اکثر اهالی خرده مالک هستند. بیشتر زمین هادر دست یک خانواده مالک است. تعدادی از روستائیان نیز بی زمین هستند، که بطور اجاره ای زمین را کشت می کنند.

راه ارتباطی روستای ایگدر تا قریه امامزاده ۳ کیلومتر (شبی) است.

آب زراعی روستا توسط چهار حلقه چاه، که با خودیاری روستائیان ساخته شده است تهیه می شود.

قیمت فروش هر ساعت آب ۲۰ تومان است. اکنون یکی از چاهها خراب شده و بقیه نیز آبشان کم شده و احتیاج به تعمیر دارند.

حل مسئله زمین و واگذاری اراضی به بی زمینها، حل مسئله آب و هم چنین تامین برق حمام و درمانگاه خواست های اساسی مردم روستاست.

جهاد سازندگی داشت با تعلق های روستا را بر می کرد، ولی متاسفانه این کار نیمه تمام مانده است.

در جهان سوسیالیسم

در جمهوری دمکراتیک خلق کره، «آنجو» به یکی از مراکز مهم صنعتی تبدیل شده است

"آنجو"، که در صد کیلومتری شمال پیونگ یانگ واقع است، جندی است که به یکی از مهم ترین مراکز صنعت شیعی تبدیل شده است. در حدود ده سال پیش ساختمان "مجتمع شیمیایی جوانان" در اینجا آغاز گشت. این مجتمع، از جمله، کارخانه های تولید کود، پلی اتیلن و الباف مصنوعی را در بر می گیرد. برنامه تولیدی "مجتمع شیمیایی جوانان"، که زون بر نفت وارداتی، از مواد خام خانگی، چون ذغال سنگ و آهنک، استفاده می کند، همچنین گائوچوی مصنوعی، مواد رنگی و دارو را شامل می شود. در این مجتمع، تولید کودهای شیمیایی از اهمیت ویژه برخوردار است. "مجتمع شیمیایی جوانان" تاکنون سالیانه ۵۶۰ ۰۰۰ تن آمونیاک و کود شیمیایی تولید می کرد. اینک قرار است که تولید کود شیمیایی افزایش یابد و از این راه به برنامه تولید پنج میلیون تن در سال، که در برنامه هفت ساله جاری (۱۳۶۳-۱۳۵۷)، پیش بینی شده است کمک رساند.

با ایجاد "مجتمع شیمیایی جوانان"، چهره "آنجو" نیز کاملاً دگرگون گردیده است. ده سال پیش تنها ۳۰۰۰ نفر در "آنجو" زندگی می کردند. اکنون این رقم به ۳۰ ۰۰۰ رسیده است. "آنجو"، که زمانی دهی بیش نبود، اینک شهری است با محله های مدرن، یک بیمارستان، یک تئاتر و چندین هتل، مدرسه، کودستان و مهد کودک.

در جهان سرمایه داری

رشوه آمریکایی ها به رهبران راستگرای سندیکاهای کارگری کانادا

بگزارش روزنامه ها، رهبران راستگرای برخی از باصلاح سندیکاهای بین المللی، که مقرشان در ایالات متحده آمریکا است، میلیونها دلار به روسای "شعب" خود در کانادا پول می دهند. هدف آنها آنست که سیاست ارتجاعی، جنگ افروزان، شوروی سیزانه و ضد کمونیستی خود را بر سندیکاهای کانادایی تحمیل کنند.

همین چند روز پیش، خبرگزاری رسمی "کنیدین پرس" گزارش داد که رهبران راستگرای سندیکایی حداقل چهار شعبه پول های دریافت می دارند، که سهم هر یک از آنها از حقوق سالیانه نخست وزیر کانادا، بیشتر است! به موجب این گزارش ها، درآمد سالیانه رهبر اتحادیه کارگران تباری "۱۸۰ ۰۰۰ دلار است، که ۱۰۰ ۰۰۰ دلار آن از منابع سندیکایی آمریکا تامین می شود. رقم اخیر برای رهبران سه سندیکای دیگر ۸۶ ۰۰۰، ۸۰ ۰۰۰ و ۷۸ ۰۰۰ دلار است.

روزنامه بورژوازی "سیتیزن" از اتحادیه های دیگری نیز نام برده است که از همین منابع سالیانه ۶۰ ۰۰۰ تا ۵۷ ۰۰۰ دلار پول می گیرند. بگفته این روزنامه، مشکل بتوان بعد حقیقی این رشوه ها را کشف کرد، چون مقر سندیکاهای واحد آمریکایی - کانادایی در ایالات متحده آمریکا است.

پیرزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی: از نظر اقتصادی، پایگاه داخلی استکبار جهانی، سرمایه داران بزرگ هستند

بهرزاد نبوی، وزیر مشاور در امور اجرائی، در پاسخ روزنامه کیهان، درباره پایگاه های داخلی امپریالیسم گفت: "از نظر اقتصادی هم مشخصا میتوان گفت پایگاه داخلی استکبار جهانی سرمایه داران بزرگ هستند که در این بزرگی هستند که علاقمند به تعدیل ثروت نیستند، در مقابل تعدیل ثروت مقاومت میکنند، همانند محکومین، سوجدویان و فقودالهای بزرگ که مانع از هریریا مسا صلاحی در جامعه میشوند".

شتاب در ملی کردن بازرگانی خارجی و کوتاه کردن دست سرمایه بزرگ تجاری و واسطه ها ضرورت انقلاب است

دولت خود باید امر وارد کردن کالا، قیمت گذاری و توزیع کالاها را در دست بگیرد

زمینه خوبی را برای فعالیت ضد انقلاب بوجود آورد تا بتواند با تبلیغات خود و با تشدید ناراضی ها در بین مردم، علیه انقلاب تبلیغات مخرب خود را دنبال کند.

بعدها انقلاب، واردکنندگان کالاها و واسطه ها همان شیوه سابق بازار کشور را در دست داشتند و هنوز هم دارند. در رژیم گذشته این عناصر ضربات جدی بر اقتصاد ما وارد کرده بودند و با آزادی عملی که اکنون نیز دارند، از رشد سالم اقتصادی کشور جلوگیری می کنند. ضروری است که دولت با اقدامات درست و بجا، از چپاول وغارت دست نرج زحمتکشان توسط این عناصر جلوگیری کند و راه رشد اقتصادی که متناسب با خواستهای مردم و در جهت رفاه آنها باشد، انتخاب کند.

خوشبختانه اخیرا اعلام شد که مقدمات ملی کردن بازرگانی خارجی در دست تهیه است و مجلس تصویب کرد که دولت مقدمات این کار را در ظرف سه ماه تهیه کند. این گامی است مثبت، گرچه، با تاخیر برداشته شده است.

باطنی کردن بازرگانی خارجی دولت می تواند از یکسوکالاهای را سفارش دهد که در داخل تولیدگانی ندارد و از وارد شدن کالاهای مشابه که در داخل تولید می شوند، جلوگیری کند. از سوی دیگر دولت میتواند کالاهای وارداتی را با قیمت گذاری کند و آنها را با قیمت مناسب در دسترس مردم قرار دهد.

البته این به تنهایی کافی نیست. برای آنکه بتوان قیمت ها را ثابت نگاه داشت و از چپاول دست نرج مردم توسط محتکران و سودجویان جلوگیری کرد، باید در سراسر کشور فروشگاههای دولتی بوجود آورد. این اقدام گام مهمی است که هم از افزایش قیمت ها جلوگیری کند و هم کالا دیگر در دست محتکران و واسطه ها احتکار نخواهد شد.

دولت با تسریع در امر ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد فروشگاههای دولتی، علاوه بر آنکه می تواند نیازهای مردم را از لحاظ کالاهای مصرفی تامین کند، از فعالیت خرابکارانه سرمایه داران بزرگ، بازرگانان عمده و واسطه ها و محتکرین نیز در شرایط حساس کنونی جلوگیری بعمل خواهد آورد.

با ایجاد فروشگاههای دولتی می توان از احتکار کالاها و افزایش بی رویه قیمت ها جلوگیری کرد

بیروزی اغلاب، رژیم وابسته و خائن پهلوی را سرنگون کرد و بساط غارت و چپاولگریش را از میهنمان برچید. اما پایگاه اجتماعی رژیم شاه ملعون در بسیاری از زمینه ها هنوز باقیست. رژیم خائن گذشته تابع سیاست تجاوری و غارتگرانه امپریالیسم بود. از همین رو هر اقدام و تصمیم آن بی شک منافع امپریالیستها و در رأس آن آمریکا، را تامین می کرد. همین سیاست بود که ناسامانی های کنسورایش از پیش فرونی بخشید و اقتصاد کشور را دچار ورشکستگی کرد و با آزادی عمل دادن به انحصارات امپریالیستی و به بزرگ مالکان و بزرگ سرمایه داران برای غارت بی حد و حصر زحمتکشان، کشور را هر چه بیشتر به سوی وابستگی سوق داد.

بر این زمینه بود که واردکنندگان کالاها و واسطه ها چپاولگری را به نهایت رساندند. بعلت کمبود کالاهای لازم و مورد نیاز جامعه، وارد کنندگان کالاها برای "تامین" ما محتاج کشور، با شرکت های امپریالیستی قراردادهایی منعقد کردند و از این طریق انحصارات امپریالیستی را تارک و بی جامه مانع خود دادند.

رژیم گذشته کالاها را به دو قسمت ضروری و غیر ضروری تقسیم می کرد، که کالاها ضروری از پرداخت حق گمرکی معاف بودند، البته بیشتر کالاهای وارداتی "ضروری" بودند! این گونه قراردادها از چند جهت نهنتها سود مردم نبود، بلکه به ضرر آنها نیز تمام میشد:

۱- این قراردادها اکثر ساختگی بودند، بدین طریق که واردکننده کالا با شرکت مفروض قراردادی می بست، که در متن آن قیمتی بیشتر از قیمت اصلی کالانوشته میشد. پس از آنکه کالای مورد نظر وارد کشور می شد، وارد کننده کالا به همان اندازه از دولت ارز تجارتمی گرفت و پس از خارج کردن از کشور، مازاد پول را در بانکهای کشورهای امپریالیستی برانداخته خود می افزود. از این طریق مقدار قابل توجهی ارز، که گاه به میلیارد تومان می رسید، از کشور خارج می شد.

۲- کالای فوق پس از ورود به ایران، به علت آنکه جزو کالاهای "ضروری" قرار می گرفت، از پرداخت عوارض و حق گمرکی معاف بود. بدینوسیله بنا بر قیمتی که در متن قرار داد بود، کالا تا چندین برابر قیمت اصلی خود بفروش می رسید و سود کلان

آن نصیب واردکننده کالا می شد. ۳- کالای مورد نظر با ورود به ایران در اختیار واسطه ها قرار می گرفت. (اینها نیز به درجات کوچکتری تقسیم می شدند). از این طریق هر کالایی، پس از چندین بار دست به دست شدن قیمت سرسام آوری می یافت. در نتیجه افزایش قیمت ها، زندگی زحمتکشان با مشکلات اساسی و جدی روبرو میشد و با حقوق کمی که دریافت می کردند، نمی توانستند ما محتاج زندگی خود را تامین کنند.

این سبب استی بود که در گذشته بر کشور حاکم بود. متأسفانه بویژه در زمینه بازرگانی خارجی و داخلی هنوز هم سرمایه داران بزرگ و بازرگانان عمده همین سیاست را اعمال میکنند. بازرگانان عمده و واسطه ها بدلیل آنکه در گذشته سود سرشاری بدست می آوردند و تعمیق انقلاب منافع آنها را با خطر انداخته است، سعی می کنند تا به انقلاب ضربه بزنند، آنرا بشکست بکشند و شرایطی چون گذشته را بوجود آورند. در حال حاضر نیز آنها، به مثابه یکی از فعالترین نیروهای ضد انقلاب، نقش مهمی در جهت تضعیف انقلاب ایفا می کنند.

در شرایط کنونی این گروه به انحاء مختلف میان مردم ناراضی و بدبینی نسبت به انقلاب و دستاوردهای آن ایجاد می کنند. آنها از یکسواوارد کردن کالا، طبق همان قراردادهای گذشته، مقدار قابل توجهی ارز کشور را خارج می کنند، که در شرایط صافی نتواند ضربات جدی و جبران ناپذیری به انقلاب وارد سازد. از سوی دیگر پس از وارد کردن کالا، بجای توزیع آن در بازار، آنرا در اختیار محتکران و واسطه ها قرار می دهند. این افراد نیز از عرضه کالا به مقدار کافی به بازار جلوگیری می کنند و مقدمات ناچیزی را باقیمت گزاف و بیشتر از ارزش واقعی خود در اختیار فروشندگان قرار می دهند. این کالاها را نیز تنها قشرهای مرفه جامعه می توانند تهیه کنند. لذا این کالاها از دسترس زحمتکشان خارج می شود.

مردم انقلاب کردند تا اختلاف های فاحشی که در جامعه وجود داشت تعدیل شود و شرایط مناسبی که همه افراد جامعه بتوانند از مواهب گوناگون زندگی برخوردار شوند، ایجاد گردد. تمام مسئولان در اتخاذ سیاستی درست و اصولی، که بتواند مسائل مردم اقتصادی را حل کند، و از جمله کمبود و گرانی را مهار کند، نهنتها این مشکلات حل نشد، بلکه با کارشکنی عوامل ضد انقلاب و ندانم کاری آنها افزوده شد. به آنکه دستمزدها زحمتکشان افزایش یافت، ولی بعلت افزایش قیمت ها تا اثر مثبتی در زندگی شان بیار نی آورد. همین امر

در مطبوعات کشور

تبارد و آنها را "آدم های جلوه فروش بیگانه ای که مکتب را سر فرار داده اند و خود را در ورای آن مخفی کرده اند" (انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۲۴) بخوانند. (پیام انقلاب - ارگان سپاه پاسداران - ۲۹ آذر ۵۹)

هر لحظه باید در مقابل آمریکا هشیار بود

هر لحظه باید هشیار بود که آنچه را در این یک سال کاسته ایم، او نتواند بر باد دهد. هر لحظه باید هشیار بود که ما در مواجهه با آمریکا در حقیقت با دشمن شماره یک ملل محروم و مستضعف جهان، با شیطان بزرگ، با جلا و بیتنام و جنوب لبنان و فلسطین اشغالی، با طراح ۲۸ مرداد و ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور، با کرگ در برابر میش و با ظالم در برابر مظلوم مواجهیم.

زعم خودشان به دنیا بفهماند که چنین خریبه خوردنی چه لثری دارد! از این روایه حیلگر هیچ استیغادی نیست که پس از تحویل گروگان ها و پس از آن که به مقصود رسید و برگ های برنده را به دست آورد، با کاربرد هزار فوت و فن سیاسی حقوقی و اقتصادی، تعهدات خویش را در لایه های از فریب و مرور زمان و این دست و آن دست کردن به بیجد و زیر پا نهد و ما را به دنیا "باج گیر" معرفی کند! و سپس اعلام کند که "باج نمی دهیم حتی به شما. ایران زورمداران عمل می کند! کارهایش در رابطه با ما مبتنی بر زور و حذف گروهی و شخصی بوده است!! و اینها همه خلاف اسلام، مسیحیت، قانون اساسی و صلح و عدالت بشری و امنیت و معنویت جهانی و منزلت های انسانی است! آمریکا زیر بار زور نخواهد رفت!!" (اطلاعات - ۳۰ آذر ۵۹)

توقع «حمایت از حق» از امپریالیست های اروپائی، بینشی انحرافی است

فرد دیگری از همین اکیبار شلوغ بازار زمان جنگ استفاده کرده و مسئله تجاوز عراق را مستحکم برای طرح نظریه سه جهانی نموده است (سر مقاله ۷/۱۲ انقلاب اسلامی). در این مقاله پس از یک مقدمه چینی به طرز امیدوارانه ای می نویسد: "بنابراین اروپا و ژاپن نیز میتوانند از این وضع در جهت رهایی و استقلال از بر قدرت آمریکا بهره ببرند... بنابراین بر اروپا و ژاپن است که نسبت به صدام تجاوزگر اعتراض نمایند... حمایت از حق است که می تواند خود این کشورها را مستقل و آزاد سازد."

در ادامه مقاله به اروپا و ژاپن رهنمودهایی مبنی بر جدایی منافع آنها از بر قدرت ها و تئویق به استفاده از موقعیت برای بردن منافع اقتصادی داده می شود و جمله "بر اروپا و ژاپن است" چند بار تکرار می گردد و به آخر مقاله که می رسیم، جهان دوم با جهان سوم وحدت کامل پیدا کرده اند!... بنابراین اروپا و ژاپن و کشورهای جهان سوم هستند که باید به تجاوز عراق پاسخ گویند و در برابر تجاوزگر بی تفاوت نباشند" وقتی بینشی آنقدر انحرافی است که از تجاوزگران قهار و روایه های استعمار متحدانی برای قربانیان چند صد ساله همانها می سازد و امید آن دارد که سبیل های تجاوز بیایند و جلوی تجاوز را بگیرند و از امپریالیست های اروپایی تئویق "حمایت از حق" دارد، طبیعی است که شبانه روز بر نیروهای خط امام

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

سردمداران آمریکا قرن ها جنایت کرده اند

اگر قرار باشد آمریکا غرامت جنایاتی را که کرده، به ایران بپردازد، در خزانه آمریکا چیزی باقی نمی ماند

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، بشدت به سخنان اخیر ریگان رئیس جمهور جدید آمریکا، اعتراض و تاکید کرد که رهبران آمریکا هر جا خواسته اند جنایت کنند، اول مردم آنها را به «وحشیگری» متهم کرده اند. رئیس مجلس ضمن سخنان خود تاکید کرد که ما خودمان را با آمریکا در حال جنگ نمی دانیم.

در آغاز این جلسه، خوشنویس، نماینده اردبیل، به عنوان اولین سخنران پیش از دستور جلسه، در ارتباط با مسائل مختلف مملکتی، و از جمله نقش روحانیون سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت: «ما بعد از انقلاب دو بازوی مؤسسه و سازمانده اسلام داشتیم: سپاه پاسداران و جهاد سازندگی. این دو بازو را باید تقویت کرد».

خوشنویس سپس در مورد تعدیل ثروت سخن گفت و از جمله افزود: «ما دیگر برای یافتن عدالت نباید دنبال این کلمه در کتابها بگردیم. وضع مالکیت باید روشن شود و دهقان ما معنی عدالت و آزادی را درک کنند».

سید احمد حسینی، نماینده مرودشت، سخنران بعدی پیش از دستور، ابتدا به سخنان امام خمینی در جمع اهالی خرم آباد و دزفول اشاره کرد و گفت: «ای امام! شما از عهده امتحان نیکو برآمده».

او سپس خطاب به نمایندگان گفت: «اگر ما از عهده این امتحان برناییم این ملت ما را نخواهد بخشید».

آنگاه عزیززاده، یکی دیگر از نمایندگان، گزارشی در مورد بازدید از جبهه های جنگ داد. او همچنین اظهار داشت: «پسر دهساله ای که پدر خود را از دست داده (در جنگ) قتلگ پدر را گرفته و در آنجا پاسداری می دهد».

به صورتی است که انگار در آنجا حادثه ای اتفاق نیفتاده است».

عزیززاده در پایان خواستار حل سریع مسئله اسکان آوارگان جنگ شد و اظهار امیدواری کرد که جنگ هر چه زودتر به پایان برسد.

آنگاه اسدی نیا، نماینده اهواز، ضمن دادن پیامی سؤال کرد، وضع جبهه ها تا کی باید به این صورت باقی بماند؟ کی آن دستور تهاجم صورت می گیرد و چه کسی مسئول صدور این دستور است؟

پیش از ورود به دستور، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، در مورد شهادت حجت الاسلام ابوترابی سخن گفت و در این مورد اظهار تأسف کرد. رئیس مجلس آنگاه به سخنان اخیر ریگان رئیس جمهور آمریکا اشاره کرد و گفت:

«البته ما از ریگان پیش از این انتظار نداریم. ولی حرف او هم بی جواب بماند، درست نیست. ما مکرر گفته ایم، ما خودمان را با آنها در جنگ نمی دانیم. ما جنگ تحمیلی صدام را جنگ عراق و ایران نمی دانیم، جنگ آمریکا می دانیم و عمال آمریکا، ولی مطلب از اینجا گذشته است. در حرفهای ریگان نکته وجود دارد که احتیاج به جواب دارد: یکی اینکه تغییر می کنند از افرادی که جاسوسان را هنوز زنده نگهداشته اند

به افراد غیر متعلم و دوم اینکه تغییر می کنند، که احقاق حق که ما کرده ایم به باج خواهی و پرداخت غرامت، ما حرف با آنها خیلی داریم. ماهیت آنها تجاوزی است و هستی شان بازورگویی شان توأم است من نمی دانم بازداشت «تلف» جاسوسی که اسناد توطئه شان افشاء شده، این عمل غیر متعلمها و بربریت است، اما جنایات وحشیانه آمریکا، بهیچایی که صدام بدستور آمریکا بر سر مردم دزفول می ریزد و هر روز خون مبارزان در گوشه و کنار جهان از چنگال آمریکا می ریزد، و ۴-۵ میلیون آواره فلسطینی و جنایاتی که در آفریقای سیاه و آمریکای لاتین می کند و جنایاتی که در دوره شاه کرد و آمریکا مسئول تمامی آنهاست. اینها وحشیانه نیست و آثار تمدن است! شما گردن کلفتها در قرنهای تحت این نام این جنایات را مرتکب شده اید، و هر جا خواسته اید جنایت کنید اول مردم را به وحشیگری متهم کرده اید. از شما وحشی تر در تاریخ بشریت وجود ندارد و مخصوصا سردمداران جمهوریخواه آمریکا، او می گوید برای گرفتن «گروگانها» غرامت نمی پردازد، نانیبها! اگر قرار باشد شما غرامت ملت ایران را بپردازید بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا امروز، در خزانه آن چیزی نمی ماند. شما خون ملت ما را میکشید، نامه، ملت عربستان، روستا را در صف مدافعان جانباختگان انقلاب بسیج کرد. تدابیر ترمیمی در جهت بهبود زندگی همه اقشار کارگران اتخاذ و اجرا کرد، و بدینسان، صف مدافعان پیشناز انقلاب را فشرده و یکپارچه ساخت. بازگانی خارجی وعده فروشی داخلی را در انحصار دولت درآورد و بدینسان، گرانی بی رویه کالاها را مهار کرد و توده های میلیونی محروم را امیدوار به ثمرات انقلاب و حامی بی ترنزل انقلاب ساخت... و اقدامات دیگری از این قبیل - همه در جهت تأمین حقوق توده های زحمتکش شهر و روستا، و در نتیجه، همه در جهت تقویت آرایش قوایسود انقلاب و گرفتن رمز اجتماعی ضد انقلاب و بورژوازی لیبرال - جاده صاف کن ضد انقلاب.

این واقعیت را باید بروشنی دید و عمیقاً شناخت که تصویق انقلاب، تصویق هر چه سریعتر و قاطع تر انقلاب، یگانه وسیله مطمئن شکست حتمی دشمنان و مخالفان انقلاب است. گذشتن از کنار این واقعیت و یانگرمی سطحی بدان، میتواند باعث این استدلال غلط گردد که، چون بورژوازی لیبرال از تصویق انقلاب بختن آمده و به پر خاش برداخته، پس باید از روند تصویق بیشتر انقلاب جلوگیری کرد، تا بورژوازی لیبرال ساکت و آرام شود. این باصطلاح استدلال میتواند در عمل نتایج فوق العاده خطرناک برای انقلاب ببار آورد، زیرا بهمان گونه که ضد انقلاب بسیج عنوان نمی تواند با انقلاب آشنی کند

به انقلاب تن در دهد، بلکه شکست انقلاب و تصرف مجدد قدرت حاکم را می خواهد، بهمان گونه نیز بورژوازی لیبرال بشرطی و زمانی آرام و ساکت میشود که انقلاب را از جنگ توده های زحمتکش خارج کند، تمام قدرت حاکم را بدست آورد، رژیم «مشروطه بدون شاهنشاهی» را برقرار کند و اگر مقاومتی در برابر خود دید، دیکتاتوری خونینی با همان سیاست خارجی و داخلی «آریاسم» بر کشور و مردم تحمیل کند.

انقلاب یا باید به پیروزی قطعی و نهایی برسد، یا باید شکست بخورد. انقلاب در نیمه راه نمی تواند توقف کند. بورژوازی لیبرال و مجموعه نیروهای ضد انقلابی یا باید پیروز شوند و یا باید بکلی از میدان مبارزه، شکست خورده، خارج شوند. آنها در وسط راه نمی توانند بایستند.

انقلاب حرکت است. انقلاب نمی تواند در نیمه راه از حرکت باز ایستد. توقف انقلاب، شکست انقلاب است. پیشرفت و گسترش و تصویق آن وسیله و ضامن پیروزی آنست.

زندان به خانواده اش خیانت میکند، و درست هنگامی آزاد می شود که تازه دستش به جنایت آلوده شده است (آن هم نه قتل یک نفر، بلکه هزار نفر قربانیان سد). گویی آزادی او پاداش جنایتی است که در آن (یا سکوتش) شرکت جسته. او خود دریافته که استحقاق آزادی را ندارد، و از این رو هنگام خروج از زندان، «اشتباه» در خروجی را گم می کند!

ولزی پس از آزادی مصمم است که با افتضای بی عدالتیهای که در زندان شاهد بوده، از عذاب وجدان خود بکاهد، اما فساد و وحشتی که در تمام نواحی جامعه رخنه کرده، به سادگی می تواند این «همه هست عنصر» را از پا درآورد، و از تصمیمی که گرفته، منصرفش کند. (گفتار فارسی این بخش پایانی فیلم به شدت مشکوک و معیوب است!) اما سرمایه داری نمی تواند برای همیشه بر سیاهکاریها و جنایات پلید خود سربوش بگذارد. دختر جوان بی زنتی از قتل فجیع پدرش آگاه است، و «حقیقتی» را که سر او را به باد داده، در سینه دارد.

کردن هر سه کیلو پسته، چهارصد ریال مزد می گیرند. در حالیکه کارگران در ازای خندان کردن هر سه کیلو پسته، فقط چهل ریال دریافت می کنند. بدینوسیله ضمن تصحیح مطلب از اشتباهی که رخ داده است پوزش می طلبیم.

کردن هر سه کیلو پسته، چهارصد ریال مزد می گیرند. در حالیکه کارگران در ازای خندان کردن هر سه کیلو پسته، فقط چهل ریال دریافت می کنند. بدینوسیله ضمن تصحیح مطلب از اشتباهی که رخ داده است پوزش می طلبیم.

کردن هر سه کیلو پسته، چهارصد ریال مزد می گیرند. در حالیکه کارگران در ازای خندان کردن هر سه کیلو پسته، فقط چهل ریال دریافت می کنند. بدینوسیله ضمن تصحیح مطلب از اشتباهی که رخ داده است پوزش می طلبیم.

بندر بخواهید ملت ایران را بترسانید. ملتی که حاضر شده در راه انقلاب همه چیز خود را بدهد، از این تهدیدها می ترسد؟ و بنابراین دنیا بدانند ما باز با اشاره امام امت و صلوات اسلامی خواستیم مسئله «گروگانها» حل شود. این آمریکاست که نمی خواهد و دنبال بهانه می گردد».

پس از پایان سخنان رئیس مجلس، که با تکیه و شعار «مرگ بر آمریکا» نمایندگان چندبار قطع شد، مجلس وارد دستور شد و در ابتدا گزارش کمیسیون ارشاد قرائت گردید. این گزارش به تصحیح چند ماده طرح قانونی اداره رادیو و تلویزیون در مورد انتخاب نماینده قوه مجریه، که شورای نگهبان آن را رد کرده بود، اختصاص داشت. بر اساس طرح تهیه شده، نماینده قوه مجریه توسط هیات دولت تعیین و به اطلاع رئیس جمهور می رسد. در این مورد رجائیان، سلامتیان، تقوی، رهامی به عنوان مخالف و سید ابوالفضل موسوی، باغانی، موحدی کرمانی و عبدخدایی به عنوان موافق سخن گفتند. مخالفین خواستار تصویب نماینده دولت توسط رئیس جمهور بودند و موافقین اعتقاد داشتند که بر اساس قانون اساسی، صرف اطلاع به رئیس جمهور کافیست. آنگاه حسین هراتی ممبر کمیسیون ارشاد در این مورد توضیحی داد و تاکید کرد که شورای نگهبان خواستار اجرای اصل ۱۲۶ قانون اساسی در این مورد شده است.

پس از توضیحات ممبر کمیسیون پیشنهاد کفایت مذاکرات داده شد. با قبول پیشنهاد کفایت مذاکرات در مورد این بند، در مورد خود بند مزبور رای گرفته شد که با اکثریت آراء به تصویب رسید. آنگاه در مورد بندهای دیگر نیز بحث و بررسی به عمل آمد و بندهای اصلاح شده به تصویب رسید. سپس طرحی از طرف کمیسیون اصل ۹۰ در مورد رسیدگی سریع تر به شکایات مردم از قوای سه گانه، با قید یک فوریت، مطرح گردید.

این هفته در نامه مردم بزبان کردی می خوانید:

- طرح آمریکا برای اشغال ۳ جزیره ایران در خلیج فارس، خطری جدی، فوری و باقیست.
- امام خمینی: عدهای خیانتکار (هستند) که می خواهند این مملکت را به وضع سابق برگردانند.
- برای درهم شکستن توطئه هفتم آمریکا، قاطعیت انقلابی و وحدت نیروهای انقلابی ضروری است.
- آزادی فوری رفیق تیجانی طیب، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان را خواستاریم.
- نظر آیت الله منتظری درباره مجاهدین خلق.
- شکل جدید فعالیت ضد انقلاب: مخالفت با جیره بندی کلاهای ضروری
- سوء قصد به جان آیت الله موسوی اردبیلی را به شدت محکوم می کنیم.
- تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به فیدل کاسترو
- صدام و تصویرش (داستان طنز).

نامه «مردم» بزبان کردی هر هفته سه شنبه ها منتشر می شود

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

حمله لیبرال ها...

بقیه از صفحه ۱

آزادی لیبرال ها...

بقیه از صفحه ۸

تصحیح و پوزش

در نامه «مردم» شماره ۳۷۷، مطلبی تحت عنوان «کارگران» به خاطر خندان کردن بستن از جانشان مایه می گذارند، چاپ شده بود که در آن گفته شده بود، کارگران برای خندان



پلنوم کمیته مرکزی حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس از پیشنهاد های لئونید پرژوف برای تامین صلح در خلیج فارس استقبال کرد

پلنوم کمیته مرکزی و کمیسیون تقشش مرکزی حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس (آکل) در نیکوزیا برگزار شد. در این پلنوم تحولات مساله قبرس و مسائل جبهه داخلی مورد بررسی قرار گرفت. پاپا ایوانو دبیر کل حزب در گزارشی خود تأیید کرد که جنبه های داخلی مساله قبرس باید بوسیله خود قبرسی ها حل شود و جنبه های خارجی باید در يك کنفرانس بین المللی در چارچوب سازمان ملل متحد حل و فصل گردد.

دبیر کل حزب گفت: «هدف ما يك قبرس واقعا مستقل، دارای حق حاکمیت، فدرال، غیر متعبد و دموکراتیک است که تمامیت ارضی آن کاملاً حفظ شود».

پاپا ایوانو در زمینه مسائل خارجی گفت: «پیشنهاد های اخیر لئونید پرژوف رهبر اتحاد شوروی در باره راه های برقراری صلح و امنیت در خلیج فارس عامل مهمی در آرمان تشبیه زدائی و صلح است. ابتکار های جدید شوروی نه تنها با رضایت خلق های منطقه روبرو شده، بلکه از سوی خلق های دیگر مناطق جهان نیز با شوق فراوان روبرو شده است، اما محافل نظامی گرا و ارتجاعی ناتو، باردیگر واکنش منفی در برابر آن نشان داده اند».

دبیر کل «آکل» تلاش های بلوک ناتو را برای مداخله در امور داخلی لیبستان، محکوم کرد و گفت:

«هدف از این مداخلات، جدا کردن لیبستان از جامعه سوسیالیستی است».

دبیر کل «آکل»، ضمن اشاره به مبارزه ضد شوروی - ضد لیبستانی محافل نظامی گرا و ورود هواپیما های آراکس آمریکا به آلمان فدرال برای جاسوسی در اطراف لیبستان، حمایت غرب از نیرو های ضد انقلابی داخلی لیبستان را محکوم کرد.

ملاقات وزیر خارجه لیبستان با رهبران اتحاد شوروی

یوزف چیرک، وزیر خارجه لیبستان، در مسکو با رهبران اتحاد شوروی، از جمله پائولوف پرژوف ملاقات کرد. در جریان این ملاقات، دو کشور ضمن اشاره به اجلاس رهبران حزبی و دولتی امپریالیستی و ارتجاعی برای خرابکاری در لیبستان و مداخله در این کشور بشدت محکوم شد. لئونید پرژوف آرزو کرد که زحمتکشان لیبستان مشکلاتی را که در مسیر ساختمان سوسیالیسم پیش آمده است، هر چه زودتر و سریعتر مرتفع کنند. لئونید پرژوف ابراز اطمینان کرد که این امر تحت رهبری حزب کارگری متحد لیبستان تحقق خواهد یافت. یوزف چیرک تأکید کرد که لیبستان يك حلقه نیرومند اردوگاه سوسیالیسم بوده و خواهد بود.

فعالیت های نظامی آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس

روزنامه انگلیسی زبان «کابل نیوتایمز»، ضمن اشاره به فعالیت های نظامی گسترده امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس نوشت که کمپ های نظامی گسترده آمریکا به رژیم عروسی ضیاء الحق و چین و فرمتی که به کشتی های جنگی چین داده شد، تا از بنادر پاکستان استفاده کنند و سفر های بی دریی نظامیان چینی به پاکستان، همگی از جمله عوامل استراتژی نظامی کلی امپریالیسم آمریکا در آسیاست.

«کابل نیوتایمز» ضمن اشاره به ارسال سلاح از سوی آمریکا برای چند کشور معین حوزه اقیانوس هند، نوشت که واشنگتن مایل است يك بلوک نظامی - سیاسی در خاور میانه تشکیل دهد که اعضای آن پنحوی سیاست های امپریالیسم آمریکا را مجاز بدانند.

چرا «معتاد»؟

تلویزیون

باعث و بانی رواج اعتیاد به دلایل اقتصادی - سیاسی است، بکلی منحرف کننده بود. با کمال تأسف، در نمایش، قربانیان اعتیاد، یعنی قاچاق فروش جزء و معتادان، عامل اصلی رواج اعتیاد معرفی میشدند و مردم بر آنها می شوریدند.

باین ترتیب، نه تنها اهداف سیاسی جمهوری اسلامی ایران از پخش این نمایش برآورده نشد، بلکه مسائل ارائه شده در آن حتی سبب نگردید که بینندگان متوجه تغییراتی شوند که در زندانها بوجود آمده و یکی از نشانه های آن، حضور زندانیان بر صحنه تئاتر است.

در پایان باید از استعداد درخشان اغلب بازیگران، که در واقع قربانیان رژیم سرمایه داری وابسته در زمان رژیم سابق هستند، یاد کرد و کار آنها را ستود.

بینندگان در مورد اعتیاد زد. از این مهتر، پخش باصطلاح انتقاداتی بود که از زبان بازیگران متوجه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شد. به این دلیل گفتیم به اصطلاح انتقاد که، آنچه بیان شد، صرفاً شایعات و تصورات دامن زده شده از طرف ضدانقلاب بود و پخش آن از زبان مستضعفانی که انقلاب به آنها تعلق دارد، به این شایعات حقانیت می بخشید و در ذهن توده ها تبلیغات ضد انقلاب را دارای مقبولیت می کرد. گذشته از این، محتوای خود نمایش هم، که باید ریشه مشکل اعتیاد را می شکافت و نشان میداد که چگونه امپریالیسم جهانی

پنجشنبه شب گذشته، بعد از چند روز تبلیغ، نمایشنامه «معتاد» از سیمای جمهوری اسلامی ایران - شبکه اول - پخش شد. این نمایش، که اجرا کنندگان آن گروهی از زندانیان زندان قصر بودند، قبلاً يك هفته در تئاتر شهر بر صحنه بود.

علت پخش این نمایش از تلویزیون، توسط گوینده، در اهمیت آن بعنوان يك «پسیکو درام» - شیوه ای از نمایش که با تکرار و تأکید مفاهیم مشخص توسط بیمار، از آن برای بهبود بیمار کمک گرفته می شود - و نیز نشان دادن تحولی که در زندانها انجام شده، ذکر شد.

به نظر ما، پخش این نمایش، که با حسن نظر تمام، بویژه نسبت به معتادان پدیده خانمان برانداز اعتیاد انجام گرفت، متأسفانه نه تنها هیچ يك از اهداف یاد شده را برآورده نکرد، بلکه لطمه جدی به بینش

فیلم سینمایی - تنها يك فیلم خوب

فیلم باین صورت بوده و یا در سانسورچین شده است. بهر صورت فیلمی که از تلویزیون پخش شد، در حد يك فیلم پلیسی، حتی بدون منطق خاص این فیلم ها، بود و در نتیجه مبارزه خونی خلق قهرمان یوگسلاوی را تاحد يك نبرد بدون آرمان تنزل میداد. بهترین فیلم سینمایی هفته گذشته «آغازی برای پایان» نام داشت، که موضوع آن محاصره يك گروه از پارتیزان های یوگسلاوی در زمان اشغال این کشور توسط فاشیست ها بود. فیلم از فداکاری و قهرمانی پارتیزان ها در راه وطنشان حکایت داشت. متأسفانه این فیلم هم کوتاه - نه سانسور - شده بود و حتی صحنه هایی از آن که قبلاً در تلویزیون نمایش داده شده بود - همانند صحنه شورا نگین نجات کودک - این بار از فیلم حذف شده بود.

بدون تردید این فیلم، که سازنده آن کمپانی آمریکائی فوکس قرن بیستم است، برای خدمت به منافع امپریالیسم جهانی ساخته شده و نمایش آن بدلیل تصادفاً این روزها با سال نو مسیحی در شان سیمای جمهوری اسلامی ایران نیست. توضیح آغاز فیلم هم توسط گوینده تلویزیون علیه مسیون های مذهبی، مساله ای راحل نمیکرد. ما امیدواریم سیمای جمهوری اسلامی ایران، که در مجموع در مسیر انقلاب بزرگ ایران است، با دقت بیشتری به پخش فیلم ها بپردازد.

فیلم بعدی که جمعه شب از شبکه اول پخش شد، «انفجار» نام داشت. این فیلم که به مقاومت خلق یوگسلاوی علیه فاشیست های هیتلری می پرداخت، متأسفانه فیلم بسیار ضعیفی بود. ما نمیدانیم اصل

هفته گذشته سیمای جمهوری اسلامی ایران سه فیلم سینمایی پخش کرد. متأسفانه تنها یکی از این فیلم ها قابل تأیید است.

«ششمین منزلگاه خوشبختی»، اولین فیلم سینمایی هفته گذشته بود، که سهشنبه شب گذشته از شبکه دوم تلویزیون پخش شد. در این فیلم، که کارگردان آن تجارتی ساز معروف آمریکائی «مارک رابسون» است، داستان زندگی يك دختر انگلیسی باز آفرینی میشود، که از طرف مسیون های مذهبی برای «نجات مردم چین» به این سرزمین رفته و برای آنها سعادت و خوشبختی، به ارمان آورده است. در این فیلم دخترک انگلیسی، که نقش او را اینگرید برگمن بازی میکرد، توده های چینی وحشی و بدبخت ترسیم شده اند و در عوض دخترک مظهر مهربانی و انسانیت!

چند پیشنهاد برای «جنگ سیاسی»

اما يك نقص بسیار جدی در «جنگ سیاسی»، عدم توجه کافی به نظریات توده های خلق، بویژه زحمتکشان است، باین معنی که، حداقل وقت برنامه به نظر خواهی از کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشانی که انقلاب ایران حاصل فداکاری آنهاست، اختصاص داده شده است. ما پیشنهاد می کنیم که در هر برنامه، از کارگران در کارخانه ها، از دهقانان در مزارع و از دیگر اقشار مردم در مورد مسائل مهم کشور نظر خواهی و این نظر به صورت مصاحبه زنده پخش شود، تا «جنگ سیاسی» هر چه بیشتر به مخاطبان واقعی خود نزدیک گردد.

متنوع کار ساز است و هم برغنائی برنامه می افزاید. ما در همین مسیر پیشنهاد می کنیم که از اشعار شاعران بزرگ خلقی دنیا - بویژه فلسطین - در برنامه استفاده شود و همچنین شاعران خلقی ایران دعوت شوند، تا با قرائت اشعار سیاسی، باز هم برغنائی «جنگ سیاسی» اضافه کنند.

علاوه بر این، کاریکاتور می تواند جای ارزنده ای را در این برنامه اشغال کند. حتی میتوان هر هفته منتخبی از کاریکاتور های انقلابی را، که خوشبختانه تعداد آنها هم زیاد است، ارائه کرد و در فاصله هر دو برنامه و یا در متن برنامه از کاریکاتور های گزیده هفته سود جست.

«جنگ سیاسی» هفته گذشته، که شامل چند قسمت درباره تجار رژیم اشغالگر قدس به جنوب لبنان، هنر مقاومت، مصاحبه با صاحب نظران (این بار آقای محمد نصرالهی نماینده آبادان)، بحران سرمایه داری و طرح يك سؤال بود، با پرداختن به مسائل داخلی، نقص اساسی هفته گذشته را هم جبران کرده و در مجموع در مسیر انقلاب بزرگ ایران قرار داشت.

قسمت جدیدی که این هفته به «جنگ سیاسی» اضافه شده بود، «هنر مقاومت» نام داشت، که در آن از پانتومیم استفاده شده بود. این قسمت ابتکار خلاق بود که هم در انتقال مفاهیم سیاسی بطور

یادداشتی بر فیلم «بازپرسی به پایان می رسد» در دو سینمای تهران

«آزادی» لیرال ها قابل خرید است!



می کنند. اما شرکت، که سرمایه عظیم خود را در خطر می بیند، به گزارشها و قی نمی گذارد و بدین سان باعث نابودی صدها زندگی و هلاک هزارتن از اهالی اطراف سد می گردد. تنها يك تن از این جنایت فجیع و هولناک با خبر است: یزتی (که نقش او را ریکاردو کوچیولا با هنرمندی ایفا می کند). او از گزارش های مربوط به ناامنی سد فتوکی تهیه کرده و حاضر است به دادگاه ارائه دهد. آیدای شرکت با پرونده سازی او را به زندان می اندازند. در زندان از يك سو او را زیر فشار و شکنجه قرار می دهند و از سوی دیگر می کوشند او را بخرند. او حق دارد از «رفاه» و

اثر جورانه و ارزنده دامیاتو دامیاتی به نام «بازپرسی به پایان میرسد»، هستیم. سرمایه داری، به پشتوانه لیرالیسم دو بیست ساله اش، سخت به نظام حقوقی خود می بالد. یورژوازی لیرال غرب درباره «حریم مقدس» حقوق فردی لافها و ادعاها دارد. فیلم «بازپرسی به پایان می رسد» نشان می دهد که سرمایه داران در ادعاها و گزافه گوئی های خویش تا چه حد صادق هستند؟

سینمای سیاسی ایتالیا، که واقع گرایان و خشن مشخصه اصلی آن است، با جنبش اصیل کارگری آن کشور همبسته است. افشای جنایات نظام سرمایه داری و بویژه نظام حقوقی فاسد و جابرانه آن، از مضامین اصلی این سینماست. خوشبختانه ما در ایران شاهد سه نمونه اصیل و برجسته این گرایش بوده ایم. در دوران پیش از انقلاب، نسخه مثله شده به کلی نامفهومی از فیلم باارزش «بازجویی»، اثر الیو پتری در تهران بروی پرده آمد. بعد از انقلاب، فیلم تکان دهنده ساکو و وانزی (با نام محکوم به اعدام) به نمایش درآمد و حالا شاهد

نامۀ هژوم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)
NAMEH
MARDOM
No. 407
30 December 1980
Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fl.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 C.
Sweden 1.50 Skr.
خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۳۵۵۱/۴۱، منطقه ۱۴ پستی تهران